

ارگان مرکزی

# ۱۳ آبان

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پی کار

**دو این شماره می خوانید :**

- "کمون آژدر" در تدارک اول ماه مه ..... صفحه ۹
- رفرمیسم (۲) ..... صفحه ۷
- "جهاد سازندگی" نهاد انقلابی!! زحمتکش ما را به خاک و خون میکشد ..... صفحه ۱۵
- تبلیغ علنی درد بیروستاهای سندج ..... صفحه ۱۶

سال دوم - شماره ۷۱ - پنجمین شماره ۳۱ اردیبهشت ۶۰ - بها ۱۵ ریال

## محورهای فعالیت کمونیستی در طول



### تابستان

## مجاهدین خلق و قانون سرمایه داران حاکم

تابستان نزدیک است . با فرارسیدن این فصل یک دوره کارو فعالیت انقلابی ماحول محورهای ویژه بسنه پایان میرسد . دوره ای که برای رفقای دانش آموز کار عمده و محوری در درون مدرسه را با خود داشت و رفقای دانشجو را حول فعالیت محوری تبلیغ و افشاگری وسیع نموده ای سازماندهی میکرد . اما مبارزه طبقاتی امانت نامه نمیدهد که وقتی در پایان این دوره برفقای با خا طر فعالیت انقلابی شان میگوئیم "خسته نباشید رفقا!" "دمی فرصت دهم تا نفسی تازه کرده . چراکنه باید با سیل خروشان جنبش حرکت کرد و برای خستگی در کردن فرصتی نیست! بهترین دلیل پایان این دوره کنار ما هم



به مفاظاهرات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پی کار از مجروح شده بود پس از حدود ۲۰ روز بقیه در صفحه ۱۹

### جاودان باد یاد سرخ کمونیست پیکارگر رفیق دانش آموز مرگان رضوانیان

شنبه شب ۶۰/۲/۱۹ رفیق مرگان رضوانیان یکی از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقاتی کارگر و یکسانی از پیکارگران کمونیستی که در جریان حمله وحشیانه رژیم استالینا تاراج شد

همانطور که در شماره های گذشته گفتیم و نشان دادیم رژیم جمهوری اسلامی در حال جدید لباس کهنه "سرخ کوب عربیان" را با اصطلاح ازین در آورد و بر خود لباس "نو" قانون" را پوشاند . ظاهر قضیه این بود که آنان از سر کوب عربیان و آشکار خسته شده و میخواهد به "قانون" پناه ببرند . اما باطن آن چه بود؟

سال گذشته ، سال برآمد نوین جنبش توده ای وحدت یابی مبارزه طبقاتی ، سال تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه سال فروپاشی توهم توده ها و کشش آنان بسوی نیروهای انقلابی و کمونیست سال روشنتر شدن مرز بین انقلاب و ضد انقلاب ، سال رسوا شی بیش از حد رژیم جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

پانزدهمین سالگرد انترناسیونال جوانان کمونیست (Y.C.I)

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱  
و امنیت کذایی از بوده است.

رژیم حاکم قاهر نبود  
کماکان شیوه سابق (شیوه سرکوب عربان)  
حاکمیت خود را با برجا نماند این شیوه  
به تنهایی دیگر کارایی خود را از دست  
داده بود.  
جدید رژیمها کمابها اشعاعی نویسنده جنگ  
انقلاب آمد، و از یک طرف چاکران درگاه  
خویش را آزاد گذاشت کمبیش ترا گذشت  
جیش کارگری و توده‌ای را به قسا دیکتا -  
تند از طرف دیگر بسوی نیروهای نیل -  
بگیری همچون معاهدین خلق روی آورده  
وسعی نمود با "پندواندروز" با زدن رهبری  
و کشیدن هواداران، با خنثی کردن ایده‌ها  
و عقاید آنان در سطح جامعه، آنان را بکلی  
به انحراف دیکتاتورانه و اینهمه را بسوا زات  
سرکوب و گشتار زخمی‌کنان و انقلابیون و  
کمونست‌ها انجام میداد.

### مجاهدین خلق خواهان اجرای "قانون هستند"

نشان دادیم که چگونه رژیم جمهوری  
اسلامی در کلیت خویش مصمات در سال  
جدید در چارچوب قانون خود ساخته، انقلاب  
را به بند کشد و سرکوب نماید. او در اند -  
یشه "بی رمق کردن" نیروهای متزلزل  
و نا پیگیری و ریز بیونیته‌های  
خائن در جهت خاموشی شعله‌های سرکوش  
انقلاب بر میبرد. از آنجا شیکه مجاهدین  
خلق با پای به توده‌ای وسیع خود به مثابه  
یک نیروی متزلزل که دارای خط مشی  
لیبرالی میباشند در قطب انقلاب عمل  
نمکنه می‌توانست مورد هدف رژیم حاکم  
قرار گیرد و چنین هشد. در سال جدید  
سویژه "حزبهای حنا بیکار تنها منبیسوری  
خود را بر روی مجاهدین خلق گذاشتند.  
آنان روزانه در نشریات خود با لاسی در  
روزنامه‌ها ارتجاعی جمهوری اسلامی بیشتر -  
بین حملات را به منظور خنثی کردن یا جذب  
مجاهدین متوجه آنان کردند. جدا سازی  
هواداران از کادرها به "پندواندروز"  
گرفتن آنان، حمله نویسی بود که "حزبهای  
جلاد در سال جدید بیکار گرفتند. اما ما حد  
بین خلق با حرکات خود در اکثر شهرهای  
شمالی و بویژه تهران نشان میدادند که  
میخواهند بطور رسمی به مقابله با رژیم  
جمهوری اسلامی برخیزند. این حرکات

با وجود گزارشات لیبرالی عمیقاً کمبر آن  
می‌توانست بر عمل جدید در ادا  
فعالیت‌های انقلابی مجاهدین خلق باشد.  
اما مجاهدین خلق در ادامه همسان  
حرکات پیشین، دیدیم که چگونه بعد از یک  
حمله سریع دست به عقب نشینی زده و رجسوی  
در اطلاعیه‌ای بتاريخ ۸ اردیبهشت ماه  
توده‌ها را از دست زدن بحرکات تعرضی باز  
داشته و برختم آتشین آنان آب سرد میپاشد.  
او با لاف هرگونه تظاهرات و تظاهرات  
بویژه در اول ماه مه، همچنین از رژیم  
جمهوری اسلامی درخواست میکند که به آنان  
اجازه یک تظاهرات سراسری داده شود.  
مجاهدین خلق بغا طر تزلزلات و نا پیگیری  
های خود به هیچ وجه نمی‌توانند بیای یک  
حرکت انقلابی تا به آخر بروند. گزارشات  
لیبرالی خود را با کار می اندازد و سد مانع  
در پیشبرد حرکت انقلابی آنان میشود. و  
این مسئله را اکنون در عرض دو سال و  
اندی گذشت با رها تجربه کرده و شا هدی بوده -  
ایم. حمله خمینی در روز ۱۰ اردیبهشت  
به نیروهای انقلابی و کمونیست و تهدید  
آنان به تشمین تکلیف نهایی "عالمی شد  
که کماکان مجاهدین خلق در همان ره راه  
بمیرند. آنان طی نامه‌ای به خمینی  
همچون گذشته خواهان فعالیت در چارچوب  
قانون اساسی شدند. آنان مطرح ساختند:  
"شرط اینکه همین قانون نیز عملاً اجرا  
شود، بدان ملتزم هستیم" به نقل از نامه  
مجاهدین خلق به خمینی  
و در آخربه منظور نشان دادن صداقت  
و محبت گفتار خود از خمینی درخواست  
مینما یند که آنان را به حضور خود پذیرفته  
چرا که: "بگمان ما این می‌تواند بیک  
رویداد سهم تاریخی محسوب شده و انشا الله  
سراغاز بسیاری تدابیر و تظاهرات ملی  
و هر چه بیشتر زنده داشتن امید زندگان  
مسالمت آمیز و در نتیجه نافی تشنجیات  
داخلی و حتی زمینه ساز اتحاد عمومی و  
سراسری ... باشد". به نقل از نامه  
مجاهدین به خمینی تاکید از مات  
این حرکت مجاهدین خلق همانطور که  
گفتیم چیز تازه‌ای در بر ندارد و در چار  
چوب همان خط انحرافی حاکم بر آنسان  
می‌کنند. اما مسئله‌ای که مطرح میباشند  
این هست که چگونه مجاهدین خلق قادر  
خواهند بود در بنده قانون ارتجاعی رژیم  
جمهوری اسلامی که وظیفه "قانونیست" است

بخشیدن به حکومت جلادان را به به پیش  
بمیرد فعالیت انقلابی نماید؟ چگونه ممکن  
خواهد بود که با تمعق این گزارشات  
انحرافی در چارچوب "قانون رژیم حاکم  
بر پای خود ایستادگی نمایند؟ بگذریم  
"قانونی" که دقیقاً در جهت سرکوب انقلاب  
بیکار گرفته میشود چه مفهومی بخود می‌کند؟  
آیا این  
جزیمینا یا حترامه "قوانین" آنان نگذارن  
و دور شدن بیشتر از انقلاب میباشند؟  
اینها سئوالاتی است که با بدما هدین  
خلق بدان پاسخ دهند. همچنان که گفتیم  
به تشمینا تا به مجاهدین خلق به خمینی  
ادامه همان انحرافات موجود در آنسان  
میباشند و اگر چه هیچ مسئله فزونی را در بر  
ندارد اما به عقیده ما آداما اینچنین  
شیوه‌ای نمیتواند به زیان انقلاب پایان  
ببخشد.

### سخنان خمینی:

#### ادامه سیاست جدید

سخنان خمینی دقیقاً در چارچوب همان  
اهداف سه گانه‌ای که در بالا از آن صحبت  
کردیم می‌کند. خمینی می‌گوید بدستمال  
سیاست جدیدی که از ابتدای سال اتحاد  
کردند مجاهدین خلق را در چارچوب  
"قانون" نه بند کند. او کماکان معتقد  
است: "تصحیح بشما می‌کنم. سرگردیده  
دامان اسلام، بشما شیدان چیزی را که دیگر  
ان میخواهند بشما بدهند و وعده آنرا به  
شما میدهند در اسلام برای شما مهیات شما  
دست بردارید و قیام مسلحانه... و بسا  
مسلمین دیگر (یعنی جنایتکاران جمهوری  
اسلامی) با هم باشند... شما با این جمهوری  
نعالفت نکنید". میزان سه شنبه ۲۲ ارد -  
بهشت  
و با "شما به قوانین اسلام سرنگذارید.  
کردن فرود بیاورید و... اذعان کنید به  
اینکه ما خلاف کردیم". و با "اگر می‌گوئید  
ما به قانون در عین حالی که برای نداده‌ایم  
لکن سربا و میساریم و قبول داریم  
آنرا به قانون شما عمل کنید و قیام برسد  
دولت که برخلاف قانون است و قیام تمام  
مسلمانان که بر ضد قانون است و در آرای سلطه  
که بر ضد قوانین کشور است، به اینها  
عمل کنید ما هم با شما بهتراز آنطور که  
شما بخواهید عمل می‌کنیم." و گرنه "ما دا -  
می‌که شما تفنگها را در مقابل ملت کشید -  
بقیه در صفحه ۱۱

مقدمه:

یکی از مباحث مهم و پراهمیت در جنبش کمونیستی ایران ، مسئله اهمیت نقش و جایگاه ما زمانهای توده‌ای (تسه) (نقاله‌ها) است . این نوع سازمانها ، بخصوص با توجه به اعتلای انقلابی جامعه و روآوری هرچه بیشتر زحمتکشان بطرف کمونیستها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است . شناخت از این سازمانهای توده‌ای تسه نقاله‌ای (مانند سندیکاها سازمان جوانان ، سازمان زنان و ... ) به ما آن ابزار صحیح تشکیلاتی را میدهد که توده‌ی تازه به جنبش جلب شده را سازماندهی نموده و در جهت گسترش پایه توده‌ای حزب یا سازمان کمونیستی حرکت نمائیم . یکی از این سازمانهای تسه نقاله‌ای ، سازمان جوانان است که تشکیلاتی دهنده توده‌ی جوان کارگر دهقان ، دانشجو و دانش آموز و ... خواهد بود . سازمان جوانان سازمانی است غیر حزبی ، م - ل و توده‌ای ، که در طول تاریخ جنبش کمونیستی نقش بسیار مهمی را در تشکیلات و سازماندهی جوانان کمونیست داشته است . در کشور ما که حدود ۵۰ درصد مردم زیر ۱۵ سال هستند و جامعه در اعتلای انقلابی قرار دارد و توده بسیاری از جوانان کارگر دهقان دانش آموز و دانشجو به مبارزه انقلابی روی می‌آورند ، تشکیل سازمان جوانان اهمیت دوچندان مییابد .

ما در جهت تعمیق درک خود از سازمان جوانان ، به تجربه کمونیستهای مشکل در کمیتنورن برای ایجاد " انترناسیونال جوانان کمونیست " و " اتحادیه جوانان کمونیست " در کشورهای کوناگون ( شوروی - چین - آسیا و ... ) تکیه نموده ، و از این پس طی یک سری نقالاتی که از آنجا در کمیتنورن ترجمه شده است ، شماری از تجربیات جوانان کمونیست را مابین ما ترجمه در این شماره از ۱۳ آبان ماه به ترجمه مقاله‌ای با عنوان " پانزدهمین سالگرد انترناسیونال جوانان کمونیست " پرداخته ، و بتدریج و در دنباله این

# پانزدهمین سالگرد انترناسیونال جوانان کمونیست (Y.C.I)



مقاله ، یک سری مثنون ترجمه شده در مورد اتحادیه جوانان کمونیست در شوروی ، چین و آسیا را درج نموده و بالاخره به انتشار مقالاتی پیرامون پرورش و تربیت جوانان در زیر سلطه فاشیسم هیتلری و استفاده‌ای که سازی ها از جوانان میکردند ، و مقایسه آن با تربیت جوانان در سیستم سوسیالیستی خواهیم پرداخت . این مقاله در صفحه ۲۷ نشریه " انترناسیونال کمونیست " ( سری دوم - جلد ۱۳ - شماره ۱ - ۲ ) که از گان " هیات اجراییه کمیتنورن " است ، و در سال ۱۹۳۵ نشر یافته درج گردیده است .

در رابطه با این مقاله دو نکته را نیز بایستی یادآوری نمود :

این مقاله و مقالات بعدی اما جنبه تفسیری و تحقیقی داشته و از این نظر مقالات آموزشی است . جنبه تحلیلی آن کم است . ولی میتوان از لایلی آن تحلیل‌های منطقی را پیرامون نقش و جایگاه سازمان جوانان و وظایف آن پیرامون کشید . ترجمه این مقالات بدین علت صورت میگیرد که جوانان کمونیست ما با تشکلات جوانان در دوران رشد جنبش کمونیستی - دوران کمیتنورن - آشنائی حاصل نموده و بدانند که چه تجربیات گرانبهای در این زمینه در زون جنبش جهانی کمونیستی وجود دارد که بدون شک با دگیری این تجربیات برای ما مفید خواهد بود .

دوم اینکه این مقاله و مقالات بعدی در فاصله زمانی ۱۹۲۵ - ۱۹۳۵ یعنی در شروع و در طول جنگ جهانی دوم نوشته

شده است . زمانیکه یکی از اصلیترین مسائل جنبش کمونیستی جهانی مسئله تشکیل جنبه واحد ضد فاشیستی و چگونگی مبارزه علیه فاشیسم هیتلری بود . از این جهت دیدگاه اشتلائی که ناشی از ضرورت این جنبه واحد بود ، در رابطه با تشکیلات دهی جوانان نیز خود را نشان میدهد ، یعنی بصورت ضرورت اتحادیه جوانان سوسیالیست ( یعنی مشتقات و باقی مانده‌های انترناسیونال ) و جوانان کمونیست ( که متعلق به Y.C.I یعنی بین الملل جوانان کمونیست است ) تاکید آنروز کمونیستها روی ضرورت تشکیل جنبه واحد ضد فاشیستی و ضرورت اتحادیه جوانان کمونیست با جوانان سوسیالیست ، با تاکید کسه اکنون ما روی ضرورت استقلال پرولتاریا در مبارزه و ضرورت انترناسیونال کمونیستی و تشکیل تسه نقاله توده‌ای - غیر حزبی و م - ل مینمائیم تفاوت دارد . و از این جهت خوانندگان ۱۳ آبان بایستی حتماً به این شرایط متفاوت که لازم است ضروریات متفاوتی را نیز ملاحظه توجه نمایند .

\* \* \*

سال ۱۹۲۲ ، پانزدهمین سالگرد تشکیل انترناسیونال جوانان کمونیست ( ا . ج . ک . ) است . تشکیل ا . ج . ک . بعد از یک دوران طولانی مبارزه نپسین ( بلشویک ها ) علیه گرایش اپورتو - نیستی در رابطه با نقش جوانان در مبارزه طبقاتی همراه بود . این گرایش اپورتونیستی توسط احزاب سوسیالیست دمکراتی که وابسته به انترناسیونال دوم بودند نمایندگی میشد .

زنده بساد سوسیالیسم!

تشکیل ا. ج. ک. در یک دوره گذار طولانی، سخت و باغواست لنین در میان بخشهای مشته جوانان اروپای غربی همراه بود، بعد از غلبه بر اشتباهات جدی سیاسی، تثبیت تئوریک و سیاسی پختگی سیاسی صورت گرفت. همانطور که رشد جنبش جوانان انقلابی بدون رشد جنبش طبقه کارگر، و جدا از مبارزه ای که لنین (بلشویکها) علیه اپورتون نیستها انجام داده و هنوز انجام می دهند نمیتواند بررسی و ارزیابی شود. روشن است که تاریخ مبارزاتی ا. ج. ک. نیز تنها نمیتواند محدود به این ۱۵ سال گردد. اکنون این دیگر یک واقعیت تاریخی غیر قابل بحث است که اولین کنگره ا. ج. ک. پس از ابتکار رهبر کمپرو جنبش انترناسیونال جوانان کمونیست - یعنی رفیق لنین صورت گرفت و اولین کنگره آن در سال ۱۹۱۹ در شهر برلین برگزار شد.

این موضوع نیز غیر قابل بحث است که نقش اصلی را در برآوردن نظر لنین دایر بر تشکیل ا. ج. ک. و برگزاری اولین کنگره آن "اتحادیه جوانان کمونیست شوروی" که در زیر پرچم کمیتتور برای وحدت سازمانهای جوانان سوسیالیست چه میکوشید داشته است. با این وجود و علیرغم این واقعیت و سایر حقایق روشن، کمراد\* میگوید که: "کنفرانس بین المللی جوانان سوسیالیست که در سال ۱۹۰۷ در شهر اشتوتگارت تشکیل شد اولین کنگره ا. ج. ک. میباشد." همین مسئله را شیلر یکی دیگر از این مورخین سیاسی کیفیت بصورت محتاطانه ای ابراز کرده است. این نقطه نظرات نادرست ما را مجبور میکند که در درجه اول در مورد بخش و جایگاه کنفرانس اشتوتگارت در کل جنبش انقلابی بین المللی هست به روشنگری بزنیم.

**اشتوتگارت**

نمونه برجسته و کاملی از مبارزه بلشویسم علیه رفرمیسم و انتریم در سالهای قبل از جنگ و علیه سوسیال شونیستها و کاشونیستها در دوران جنگ حول مسئله شرکت جوانان در مبارزه طبقا.

تی صورت گرفت را میتوان در مطالعه آگاهانه آثار لنین، سادزه بلشویسم و انترناسیونال دوم مشاهده نمود. نظرات بلشویسم و قاطع لنین در رابطه با آموزش انقلابی جوانان را میتوان بصورت مختصرا از زبان خودش شنید: "تمامی علم و دانش کمونیسم که در درون جزوات و نشریات کمونیستی است بدون کنار و بدون مبارزه کاملی ارزش است.... ما نمیتوانیم بدون هیچگونه قید و شرطی برای استقرار استقلال تشکیلاتی اتحادیه جوانان بها خواسته، و این موضوع نه بخاطر آنستکه اپورتونیستها از این نوع استقلال ترس و واهمه دارند، بلکه به خاطر ماهیت واقعی خود این مسئله است. چراکه جوانان سوسیال استقلال کامل نه میخواهند خودشان سوسیالیستهای خوبی نباشند و نه میخواهند سوسیالیسم را بر آورده سازند."

رووالوگزا سبورگ و کارل لیبکنخت به این درک لنینی از وظایف اساسی آموزش جوانان نزدیک شدند. با این وجود تلاش آنان در جهت ایجاد و فعال کردن سازمانهای جوانان در چارچوب انترنا-سیونال دوم به شکست انجامید. آنان موفق نبودند چراکه انترناسیونال دوم و احزاب وابسته به آن تنها در حرف و در قطعا به هایتان مارکسیست بودند، در حالیکه در براتیک مشخصی شان همانطور که در شکستگی تانف بارشان در طول جنگ امپریالیستی نشان داد خواهان همکاری با بورژوازی بودند. این موضوع خود را در این واقعیت نشان میدهد که جوانان نه تنها از استقلال تشکیلاتی، بلکه از حق هر نوع زندگی و مبارزه سیاسی محروم بودند.

سازمانهای جوانان سوسیالیستی که علیرغم میل رهبران بین المللی دوم رشد نمود زیر رهبری کسانی بود که میخواهند آنها را چه سازمانهای فر-هنکی و غیر سیاسی محدود نمایند. ولی عناصر فعالتر جنبش جوانان به برهبری کارل لیبکنخت نمیتوانستند خود را با این نوع گزایش نادرست در مورد نقش و وظایف جوانان وفق دهند. در ۱۹۰۷ در کنفرانس بین المللی اشتوتگارت آنان کوشیدند تا یک سازمان بین المللی از سازمانهای جوانان

بوجود آورده و وظایف سیاسی ای بسرای آن تعیین نمایند. تلاش برای ایجاد سازمان بین المللی جوانان و تعیین وظایف آن در چارچوب انترناسیونال دوم به شکست انجامید. دفتر جوانان بین الملل که در کنفرانس اشتوتگارت تشکیل گردید یک ارگان رهبری کننده نبود، بلکه فقط ارگانی برای کسب اطلاعات و خبر بود. این دفتر بهمراه انترناسیونال دوم در طول جنگ از بین رفت. کنفرانس اشتوتگارت سازمانهای جوانان را برای مبارزه علیه سرمایه داری مطرح نمود. و تصمیمات این کنفرانس با اصول لنین در مورد نقش و وظایف جوانان در مبارزه طبقاتی نمی خواند و باعث پایداری و منفعل شدن سازمانهای جوانان گردید. بدین ترتیب، کنفرانس اشتوتگارت اولین تلاش سازمانهای جوانان سوسیالیست بود ای ایجاد یک بین الملل جوانان بود و نه اولین کنگره ا. ج. ک. آن کنگره ای که مرحله جدیدی را در روشند جنبش بین المللی جوانان انقلابی پایه ریزی نمود.

**برن**

بعضی دیگر از "مورخین" از قبیل مانزبرگ میکوشیدند که ثابت نمایند که ا. ج. ک. در واقع نه در سال ۱۹۰۵ و نه در ۱۹۱۹، بلکه در سال ۱۹۱۵ در کنفرانس برن - که متشکل از سازمانهای جوانان سوسیالیست بود، بوجود آمد. آنان میخواهند ثابت نمایند که در واقع آنچه در برلین در ۱۹۱۹ صورت گرفت یک "تبدیل" ساده بین الملل جوانان در برن بود که به ا. ج. ک. تغییر یافت. بزبانی دیگر، "آنچه که در ابتدا قبل از نظر سیاسی بوجود آمده بود" در کنفرانس برلین فرم و قوام یافت. این موضوع نادرست بوده و با واقعیتهای تاریخی نمیخواند. آنچه واقعیت دارد آنستکه در سال ۱۹۱۵ در زمان جنگ، کنفرانس متشکل از سازمانهای جوانان سوسیالیست در برن تشکیل گردید. در این کنفرانس سازمان جدید بین المللی شکل گرفت که وظیفه اصلی آن مبارزه علیه جنگ امپریالیستی بود.

نت . ولی ، این واقعت را نمیتوان در رابطه با تاریخ جنبش بین الملل جوانان نادیده گرفت که کنفرانس برن علیه نظر لنینی بلشویکها در مورد مبارزه برضد جنگ امپریالیستی موضع گرفته و آنرا رد نمود . و بنا بر این مانژنبرگ رسالت بی ارزشی را بعهده گرفته زمانی که خارج از توان و قدرتش تلاش نمود تا لنین را نفی نماید . لنین میگفت که کنفرانس برن در بهترین حالتش " نقطه عطفی " در مبارزه علیه احزاب سوسیال شونیستی است که در خدمت بورژوازی قرار دارند . پس چگونه ما بعد از این موضوع میتوانیم بگوئیم که کنفرانس برن و افراد برگزارکننده آن ، ا.ج.ک. را پایه ریزی نمودند؟ این موضوع نادر است ، چرا که لنین بصورت سختگی ناپذیری برای غلبه بر تشکلات شورویک اشتباهات و تشویرهای ناصح سیاسی موجود در کنفرانس برن گوشه و تنگنا نداشتند . سازمانهای جوانانی که او برای آنان در رابطه با مبارزه علیه جنبش امپریالیستی ارزش زیادی قائل بود ، به بلشویسم نزدیکتر گردد . همین نظر را او در مورد تشریفاتی که در طول جنگ و با نام جوانان بین الملل چاپ میشد داشت .

این مرحله از رشد و تکامل جنبش جوانان احتیاج به مطالعه جدی دارد ولی آنچه که بیان گردید کافی است که روشن نماید که چگونه برخی " مورخین " چاقی را تحریف نموده اند .

**پولین**

لنین مؤسس انترناسیونال جوانان کمونیست ( ا.ج.ک ) است . به ابتکار او و حمایت فعال " اتحادیه جوانان کمونیست اتحاد شوروی " و با رهبری کمینترن بود که اولین کنگره ا.ج.ک در سال ۱۹۱۹ تشکیل گردید . نمایندگان سازمانهای زیر در این کنگره حضور داشتند : کمینترن ، اتحادیه جوانان کمونیست شوروی ، سازمان کمونیستی جمهوری ولگای آلمان ، لهستان ، مجار

ستان ، سازمانهای جوانان سوسیالیست سوئیس ، آلمان ، ایتالیا ، سوئد ، بلژیک ، دانمارک ، رومانی ، چکوا - کی ، اسپانیا و ترکیه . تشکیل این کنگره نشانگر وحدت سیاسی - تشکیلاتی سازمانهای پراکنده جوانان حول برن - مه مارکسیستی - لنینیستی کمینترن میباشد . کمینترنی که کلیه نیروها و انقلابی طبقه کارگر را علیه سرمایه دار و برای تحقق امر دیکتاتوری پرولتاریا بهم پیوند داد . تشکیل ا.ج.ک. دوران جدیدی را در جنبش بین المللی جوانان انقلابی باز نمود .

تشکیل ا.ج.ک و وابستگی اش به کمینترن ، نیاز به تجدید سازماندهی عظیم سازمانهای جوانان انقلابی داشت لازم بود که به گنجی ها و تشکلات های یک در مورد مسائل سیاسی عمده وجود داشت خاتمه داده شود . بنا بر این تشکیل ا.ج.ک تنها " تبدیل " ساده آنچه که پیش از آن وجود داشت نبود . این موضوع هنوز در ذهن بسیاری از نمایندگان منحل شده مانژنبرگ که رهبر بین الملل برن بود در طول اولین کنگره ا.ج.ک . روشن نبود . در این کنگره ، نمایندگان سازمانهای جوانان با اکثریت مطلق آراء تصویب نمودند که به کمینترن ن بپیوندند . ولی در همین مورد هم ، یعنی مسئله وابستگی به کمینترن و روابط تشکیلاتی با آن و به رسمیت شناختن رهبری کمینترن ، بسیاری از نمایندگان منحل شده مانژنبرگ تگ و تردید داشتند . این تگ و تردیدها دست آخر به تملیغ علمی عدم وابستگی به کمینترن انجامید ولی این کنگره به این تگ و تردیدها فاشق آمد بعد از این که این کنگره ، و درست قبل از برپایی دومین کنگره ا.ج.ک همین عدم درک از اصول لنینی در مورد نقش و وظایف جوانان در مبارزه طبقاتی باعث اختلالاتی شد که دوساره در کار و فعالیت کمیته اجرائی ا.ج.ک منعکس گردید .

**در زیر پرچم کمینترن**

تشکیل وزش و تشبیت ا.ج.ک منجر

درخشانی از مبارزه لنین ( بلشویکها ) علیه اپورتونیزم موجود در جنبش طبقه کارگر و جنبش جوانان ، و مبارزه برای آموزش و تربیت جوانان با روحیه کمونیست است . پانزده سال از تشکیل اولین کنگره با شکوه ا.ج.ک گذشت است اکنون به یگر کشوری با نفوذ نمیشود که در آن شعبه ا.ج.ک و یا یک سازمان جوانان کمونیست وجود نداشته باشد . در کشور شوروی ، که ساختمان سوسیالیسم بصورت پیروز مند انهای بعلومیرود ، شعبه ا.ج.ک بصورت سازمان قدرتمندی درآمد است که مبلهونها عضو آن فدا کارانه تحت رهبری حزب بلشویک در جهت ساختمان جامعه سوسیالیستی بدون طبقه در حال نبردهند .

در کشورهای سرمایه داری ، جوانان کمونیست با مبارزه قهرمانانه خود در جهت تحقق دیکتاتوری پرولتاریا و منافع طبقه کارگر و جوانان ، نفرت درنده خوشی بورژوازی و تحمیل زحمتکش را بر میانگیرند . در اسپانیا ، کمونیستهای جوان تحت رهبری حزب کمونیست بهترین ییکارگران علیه سرمایه داری بوده و در سنگرها ثابت به شان کارگران و معدن چیان انقلابی کل کشور و بالست آستوراس مبارزه میکنند . در چین ، اتحادیه جوانان کمونیست " وفادارترین پشتیبان حزب کمونیست در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و در حمایت از حکومت خوراهای بوده است . دستها و هنگامی قهرمانان جوانان کمونیست که متعلق به ارتش سرخ هستند در جنگ علیه مزدوران ارتش ملید چیان گای چک شجاعانه میجنگند . در کشورهای که در آنها ترورفاشیستی و ارتجاع سپاه حاکم است ، مانند ژاپن آلمان ، لهستان ، ایتالیا ، بلغارستان در همه جا از کوبا گرفته تا هندوچین ، کمونیستهای جوان هرچم لنینی کمینترن یعنی هرچم مبارزه آشتی ناپذیر طبقه ای علیه سرمایه داری را برافراشته نگاه داشته اند . بورژوازی تلاش میکند که کمونیستهای جوانی را که برای واژگونی سیستم سرمایه داری مبارزه میکنند را

6

### نامه‌های رسیده

رفیق اعتراض‌سواران شما را به دست راست ما می‌فشاریم .

رفیق ه . با ر صد . دانش آموز هواداران آغا جازی طرح "بیکارگران کمو" نیست رسید . پیروزی باشی

میترا کلاس چهارم . بشهد . شعرها و داستان‌ها رسید . امید پیروزی برای دست داریم سعی خواهیم کرد از آنها استفاده کنیم .

رفیق ل . الف از مجتلیان : طرح طالب و ابتکاریت رسید . باز هم از طرح هایت برایمان بفرست .

دانش آموز هواداران . در فوول - قصه جمهوری اسلامی حامی زحمتکشان !! رسید .

رفقا الف م . الفس نامه و کمک مالیتان رسید . دستتان را می‌فشاریم و امید پیروزی برایتان داریم .

م از تبریز نامه‌ها را همراه کمک مالی تورا رسید . پیروز باشی

رفقای مدرسه راه‌نمایی از میان دو نامه و کمک مالیتان رسید . آرزوی پیروزیتان را داریم .

رفیق م . آواره از سریندر نامه و کمک مالیت رسید .

رفیق چ . و اول نظری آزموند . شعر زیبایت بنام " ای زندانی " که برای رفقای دربند سروده‌ای رسید .

بزازجان . دانش آموز دوم نظرسوی آزاد . شعرتو بنام " خلق کرد " رسید .

آغا جازی . " ستاره مبارک " شعرو زیبای تقدیمت به " مادران مبارزان و مستعدیده " رسید .

شیم . در همان حالی که هر کمونیست جوانی علیه شووتیم و ناسیونالیسم با ایمانی راسخ مبارزه میکند ، با یحیی رهنمودهای رفیق استالین یعنی کمیته کارلنین را ادامه داده و رهبر یا ایمنان طبقه کارگران ، را کاملاً بیاداشته باشد : " شترنا سوتالیسم آن نظراسی است که در شما مفعالیت‌های اتحادیه جوانان کمونیست دیده میشود . و از این جهت پسر قدرت و پرتوان است .

چه عاملی سوسیالیست‌های جوان و هواداران ا.ج.ک را در اسپانیا از یکدیگر جدا می‌سازد ؟ کسیکه در اکثر درکنار یکدیگر مبارزه می‌کردند ، و هم‌اکنون بصورت ساوی از ترور و سرکوب ارتجاع ، که تنها قابل قیاس با ترور و سرکوب بعد از کمسون پارسی است ، در رنج و عذاب هستند ، هیچ گونه عاملی نمیتواند این اتحاد را برهم بزند ، اتحادی که با خون شهدایی که در مبارزه کشته شدند پیوند خورده است . در حال حاضر ا.ج.ک با وظایف سنگینی روبرو است : توضیح این موضوع به توده‌های وسیع جوانان ، و تشریح کلیه مسائل مربوط به اصول ، تاکتیک ، و شیوه‌های مبارزه ا.ج.ک به این توده‌ها در پایه مبارزات اکثریت بدین ترتیب ا.ج.ک اسپانیا تحت

رهبری حزب کمونیست مبارزه خویش را با قدرتی بیش از هر زمانی دیگر ، برای جلب کردن و گنجانیدن اکثریت جوانان طبقه کارگر بر طرف خود و برای پیروزی کمونیسم ادامه میدهد . حکومت لروکس ، ایمنان خائنین به منافع اسپانیا هم‌اکنون فشارهای سخت و غیر انسانی ای بر سر پرولتاریای قهرمان اسپانیا وارد میکنند . هزاران تن از کارگران من و جوان در زیر آتش توپ و اسکا دران نظامی ارتش ورسای " شهید گردیده اند . شش هزار تن از بیکارگران طبقه کارگر با غسل دخمه‌های سرمایه‌داری افتاده و دادگاه - بقیه در صفحه ۱۴

کمراه KEMROD - در همینست تعریبه نشریه " مننا " کار می‌کند و نویسنده چندین سمپوزیوم در مورد مسائل مربوط به ا.ج.ک بود .  
" ساختمان جامعه سوسیالیستی بدون از طبقه " ؟ احتمالاً اشتباه ترجمه مترجم است انگلیسی بوده است .

بمورد فیزیکی نابود نماید . عدها پس از بهترین رفقای ما در مبارزه خشن طبقاتی جان باختند - هزاران تن دیگر از جوانان مایابه زندان افکنده شده اند - بدگه عیبی با اعمال شاقه محکوم شده اند و با به اردوگاه‌های جنگی روانه شده و با بسته دار آویخته شده اند . اما ترور و سرکوب نمیتواند از نفوذ کمونیسم در رشد جنبش جوانان انقلابی جلوگیری نماید .

پیروزی قادر نیست که با ایجاد یک سیستم تحمیلی فاشیستی و نظامی ( میلیتاریزه ) کردن جوانان ، آنان را با روحیه کورکورانه و برده وار پیروزی و تربیت کند .

وظیفه کنونی اتحادیه‌های جوانان کمونیست این نیست که به یادآوری روز بازگشتی اولین کنگره ا.ج.ک یعنی ۲۵ نوامبر بپردازند . بلکه وظیفه ایشان این است که به روزیایی و جمع‌بندی از کل مسیر مبارزه طبقاتی که در طول این ۱۱ سال طی شده است ، بپردازند . بسیاری از اتحادیه‌های جوانان کمو - نیست هنوز سازمان‌های توده‌ای نیستند در برخی کشورها ، حتی در حال حاضر هم فعالیت این سازمانها - هم از نظر خصوصیات و ماهیت آنها و هم از نظر متد و شیوه‌ای که بکار گرفته اند شبه عملکرد سازمان های جوانان سوسیالیست ، یعنی غیر فعال و منقعل بودن است .

درست به این دلیل است که بویژه در حال حاضر به نقشی که لنین در جنبش جوانان بین الملل ایفا نموده را توضیح داده و کمونیست‌ها و کارگران جوان را با اصول لنینی مبارزه طبقاتی مسلح ساخت مهمترین بخشی از اصول لنین که با یحیی آنرا پیاده نمود و به اجرا در آورد آن است که میلیونها جوان را بر اساسی جبهه واحد و بزرگ پرچم کمینترن برای مبارزه در جهت تحقق دیکتاتوری پرولتاریا و حکومت شورواها بسیج نمود . برای تحقق همه این خواسته‌ها و حتی برای تحقق کوچکترین خواست اقتصادی - سیاسی و فرهنگی جوانان مایابستی با تمام انرژی خود جوانان را برای مبارزه علیه خطر یک حمله امپریالیستی به اتحادیه

# فرمیسیم (۲)

## رابطه فرم و انقلاب

رابطه بین فرم و انقلاب را لنین در این جمله بروشنی نشان داده است: (۱)  
"فرم محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریاست".

(لنین - درباره اهمیت تلا اکتون و پس از پیروزی کامل سوسیالیسم)

میدانیم که انقلاب بطور کلی یعنی سرنگونی اساسی و بنیادی که موضوع در تقابلهای فرم قرار میگیرد. انقلاب از نظر پرولتاریا قبل از هر چیز یعنی در هم شکستن دستگاه دولتی کهن و سپس انجام وظایفی که بملحاظ سیاسی با اجتماعی و دمکراتیک با سوسیالیستی بودن انقلاب متناوب خواهد بود.

با چنین تعریفی از انقلاب و با توجه به تعاریفی که درباره فرم ارائه شد می توان بسادگی رابطه میان فرم و انقلاب را شناخت.

در درجه اول ما باید بدانیم که فرم در تقابلهای انقلاب قرار دارد.

"فرم در مقابل انقلاب قرار میگیرد، و طه کاری جزئی رژیم محکوم بزوال... در مقابل سرنگونی انقلابی آن حاکمیت

(۱) ما در این جا دربار فرم و رابطه آن با انقلاب قبل از پیروزی پرولتاریا و سرنگونی بورژوازی صحبت میکنیم. فرم در دوران حاکمیت پرولتاریا و در دوران ساختن سوسیالیسم، علاوه بر این ویژگیهای خاص خود را نیز دارد که توسط لنین شکافته شده است که ما در اینجا بدان نمی پردازیم.

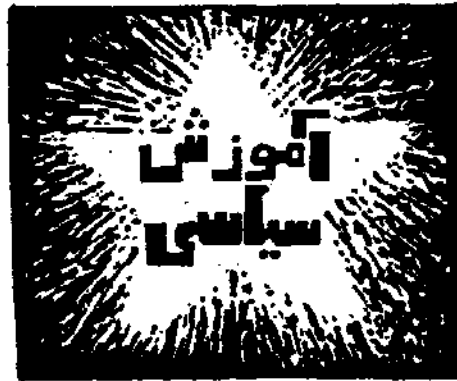
قرار میگیرد. (لنین - فرمیسیم در جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه - تاکید ها از خود لنین است)

فرم انجام میشود تا از انقلاب جلوگیری کند. بورژوازی دست به فرم میزند تا از سرنگونی انقلابی خویش جلوگیری کند. همین دلیل نیز "بورژوازی... بطور فزاینده ای به دفاع از به اصطلاح اصلاحات اجتماعی بر میخیزد که در تضاد با ایده انقلاب اجتماعی قرار دارد".

(لنین - همانجا - تاکید از ما است) - ثانیاً "فرم محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریاست".

یعنی اینکه مبارزه انقلابی بدون تردید در روند حرکتی خویش فرم را به ارضان خواهد آورد. مبارزه انقلابی شده ها برای سرنگونی حاکمیت بورژوازی بیشک بورژوازی را به عقب نشینی های پیاپی وادار خواهد ساخت و فرم های متناوبی را به همراه خواهد آورد. فرم های راکه می تواند با اتخاذ تاکتیک صحیح از سوی پرولتاریا، در خدمت مبارزه و بنا خواهد آمد.

نکته دیگر که در همینجا با نسی خاطر نشان گردد، مفهوم مبارزه انقلابی است و فرقی که این مبارزه با فرمیسیم دارد بر طبق بحثهای بالا، مبارزه انقلابی تنها و تنها آن مبارزه ای است که با هدف سرنگونی رژیم بورژوازی و درهم شکستن دستگاه دولتی صورت گیرد. هر "مبارزه دیگری که این هدف را پیش روی خود نداشته باشد، یعنی انجام اصلاحاتی را در چهار چوب مناسبات موجود و حاکم طلب نماید، بدون اینکه اندیشه انقلاب را بخورد، در غلطی در محسب است.



فرمیسیم است. اگر ما دهها خواسته، افزایش دستمزد، کم شدن ساعات کار، سود ویژه، آزادی زندانیان سیاسی، از بین رفتن شکنجه، آزادی مطبوعات و... را مطرح نمائیم بدون اینکه ضرورت سرنگونی قهرآمیز ارتجاع حاکم و ضرورت انقلاب و درهم شکستن دستگاه دولتی کهن را مطرح کنیم و حتی بدتر، از بورژوازی بخواهیم که این خواستهها را بموقع اجرا گذارد و نه اینکه ما با مبارزه خود او را مجبور به قبول برخی از این خواستهها بنمائیم، فرمیسیم هستیم نه انقلابی!

بقول لنین: "برده ای که به موقعیتش بعنوان یک برده واقف نیست، در منتهای مراتب، و برده ای است که مبارزه میکند تنها بخاطر بشریت و وضع خودش بمثابه یک برده، ولی نه کسی که برای سرنگونی بردگی مبارزه میکند". (همانجا - تاکید از خود لنین است) اگر در اینجا زدن مثالی بیرون نرشدن بحث کمک کند، بگمان ما هیچ مثالی بهتر از مورد مجاهدین خلق و سیاست فعلی آنها نخواهد بود. نشریات، اعلامیه ها و مواضع تا زمان مجاهدین پس از قیام را بخوانید. خواهید دید که برای افشاکاری شکنجه، افشاگری در مورد وضع زندانیان سیاسی، افشاگری "چاقو داری" های حزب جمهوری و... اما شما حتی یک مورد را هم نخواهید یافت که مجاهدین رابطه بین این سیاستهای ارتجاعی با کل نظام حاکم، با کل رژیم حاکم و با کل دستگاه دولتی حاکم (یعنی ایزارسکوب بورژوازی) را طرح نمائند. مجاهدین از شکنجه سخن میگویند، از

پروچم مبارزه آید نولوژیک را بر افراشته تر سازیم

زنده تیان سیاسی نیز همینطور از توفیق مطبوعات مترقی، از منع اجتماعات انقلابیون و... اما هرگز راه‌های قطعی و نهایی از این مطالب و دستکارها، یعنی انقلاب، یعنی سرنگونی رژیم حاکم و باغان کردن دستگاه دولتی بورژوازی را به میان نمی‌آورند.

برعکس و بدتر بعضی‌ها هدین به تبلیغ مریخ ایده‌های فرمیستی می‌پردازند. آنان نه کل رژیم بلکه جزئی از آن (مستزب جمهوری) را افتا میکنند و در مقابل از "جز" دیگری حمایت برمی‌گزینند. آنان شیوه‌هایی چون "بخت آزاد" را برای انجام املاجاتی درجه را خوب همین نظام مورد قبول قرار میدهند. آنان از "شنج" و "درگیری" می‌پراسند و سعی دارند بدون دامن زدن به مبارزه طبقاتی، پیوند مبارزه برای انقلاب، به خواسته‌های فوق دست یابند. دست آخر و بدتر از همه بعضی‌ها هدین برای انجام این خواسته‌ها از بورژوازی خواش و تمنا میکنند! اگر اینها همه فرمیسم نیست، پس چیست؟

**رویزونیست‌ها چگونه به فرم برخورد میکنند؟**

گفتیم که توسل به فرم، حربه‌ای است که بورژوازی از آن برای جلوگیری از وقوع انقلاب استفاده می‌کند. بنا بر این پرواض است که وی "به دفاع از به اصطلاح اصلاحات اجتماعی" (لنین - تا کیداز ماست) بر - خیزد و آنرا راه سعادت زحمتکشان قلمداد کند. بورژوازی برای آنکه جلوی انقلاب را بگیرد، سعی در کشاندن مبارزه توده‌ها به منجانب فرمیسم میکند. بقول لنین بورژوازی به کارگران می‌گوید: "برای پیشرفت موقعیتتان بعنوان یک برده مبارزه کنید، ولی اندیشه و ازگونی بردگی را بعنوان یک اتوبی مضرتگرید!" (همانجا)

به این دلیل است که بورژوازی تبلیغ فرمیسم در جنبش کارگری است. مثلا بورژوازی خواهان آنست که بهرولتا را بشغول مبارزه منفی خویش باشد. مبارزه‌اش محدود به مبارزه پشرا می‌بهرشدن شرایط استثمار و خرد شود و... ولی وارد مبارزه سیاسی بعنوان یک

طبقه مستقل نشود و مستقلا برای کسب قدرت رت سیاسی مبارزه نکند.

اما بورژوازی تبلیغ ایده فرمیسم را در درون جنبش کارگری نه علنا و از طریق سخنگویان رسمی اش، بلکه بطور عمده از طریق نوکران خود در جنبش کارگری یعنی رویزیونیست‌ها انجام می‌رساند.

رویزیونیست‌ها خودبخشی از طبقه بورژوازی اند. آنها نوکران سرمایه‌داران بود. ده وقتا انقلابند. وظیفه آنان فریب کارگران و زحمتکشان، ممانعت از گسترش انقلاب و به‌ناز کشاندن مبارزه توده‌ها میباشد. آنان نیز خواهان حفظ نظام حاکمند. نه سرنگونی آن. بدین لحاظ آنها هم فرم را برای جلوگیری از انقلاب و فریب توده‌ها میخواهند. آنها تنها املاجات را می‌بند بر دواز آن طرف، انقلاب را نمی‌کنند!

(لنین - همانجا)

آنها خواهان آنست که "سوسیال دمکراسی... از حالت یک حزب انقلاب اجتماعی خارج شده به یک حزب اطلاعات اجتماعی بدل گردد" و این چیزی نیست جز "مطلبه برگشت قطعی از سوسیال دمکراسی انقلابی و روی آوردن به سوسیال فرمیسم بورژوازی" (لنین - چه با بدکرد؟)

اما بیینیم رویزیونیست‌ها چگونه این چرندیات را به اسم سوسیالیسم و انقلاب به خورده توده‌ها می‌دهند؟

رویزیونیست‌ها ادعا می‌کنند که انجام اطلاعات جزئی و فرم‌ها عبارتند از تحقق بخشهایی از سوسیالیسم. "رویزیونیست‌ها به تمام دلایل و مباحثات در باره جنبش طبقه کارگر که اصولا با کل جامعه که متناقض است، بعنوان عبارت بافی و پند فروشی می‌نگرند. آنها فرم‌ها را بعنوان تحقق جزئی، سوسیالیسم مورد توجه قرار میدهند." (لنین - انحرافات در جنبش کارگری اروپا)

لیکن این ادعا هیچ نیست جز نشان دادن اعتقادی که مل به انقلاب و سوسیالیسم اما چرا؟

اولا یکی از اطلالی ترین مسائل فلسفی ما رکیسم بحث مربوط به جهشهاست. بر طبق شالیم جاویدان مارکس و انگلس، تغییر کیفی در یک پدیده، بدینال نیاشته شدن تغییرات کمی بر

رویه و بصورت جهش صورت می‌گیرد. همین شکل در جامعه سرمایه‌داری نیز انجام تغییر کیفی، منوط به صورت گرفتن جهش است. این جهش در اجتماع خود را بصورت انقلاب نشان میدهد. یعنی اینکه انجام تغییر کیفی، در نظام سرمایه‌داری از طریق انقلاب صورت می‌گیرد. هرگز فرم‌های بورژوازی نمیتوانند نشان دهند بصورت دهند.

در اینجا برای روشنتر شدن بحث لازم است به نکته‌ای اشاره کنیم و آن اینست که ما بین دو نوع خواست تفاوت قائلیم: نوع اول خواسته‌هایی که تحت حاکمیت بورژوازی قابل تحقق اند و دوم خواسته‌هایی که هرگز در این چهار چوب نمیتوانند اجرا گردند. مورد اول مثل افزایش دستمزد، آزادی برخی زندانیان سیاسی و... نوع دوم مثل انحلال ارتش بورژوازی و ارتجاعی، ایجاد ارتش خلقی، نابودی دستگاه دولتی و... روشن است که بورژوازی هنگامیکه هنوز در حاکمیت بر می‌برد، صرفا میتواند از طریق فرم، خواسته‌های نوع اول را برآورده سازد و هرگز در توانش نیست که خواسته‌های نوع دوم را اجرا کند. مثلا ارتش خود را نابود کند! ارتش خلقی ایجاد کند و...

بهین دلیل نیز تحقق این نوع خواسته‌ها منوط به انجام انقلاب است و از طریق فرم‌های جزئی هرگز قابل اجرا نیست. حال با این توصیفات، همین جا میتوانیم ان جلوه دیگری از انحراف نیروهایسی چون مجاهدین خلق را آشکارا دید. هنگامیکه مجاهدین از بورژوازی انتظار تبلیغ توده‌ها را دارند، هنگامی که انحلال ارتش را از رژیم طلب می‌کردند و... آنها نشان میدادند که گذشته از سایر انحرافاتشان، اساسا قادر به درک تفاوت اساسی میان این دو نوع خواست و قابل اجرا بودن و یا نبودن آن تحت مناسبات موجود نیستند. آنها میان این دو نوع خواست تفاوت قائل نشده و بدین سان با طرح دو می درجه را خوب مناسبات حاکم آب به آشیاب توهنات توده‌ها نسبت به رژیم حاکم می‌ریزند.

اما نشانیا رویزیونیست‌ها ادعا میکنند که این اطلاعات عبارتند از تحقق جزئی طبقه هر صفحه ۱۸



## کمون اژدر در تدارک اول ماه



اول ماه مه روز جهانی کارگران روز اتحاد دیپلوماتاریای دنیا برعلیه بورژوازی و ارتجاع جهانی نزدیک میشد. وظایف بسیار مهمی بر دوش کمونیستهای جهان سنگینی میکرد. بورژوازی حاکم ایران و رویزبونیستهای وطنی سخت در تلاش برای منحرف کردن ذهنها از خواسته های اساسی پرولتاریا بودند و این امر وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی را مشکلتر میکرد. و کار بیشتری را از آنها طلب مینمود. و می بایست اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کرد.

به همین دلیل و برای انجام کار متشکل تر و منظمتر ما یکی از کمونهای که رفقای هوادار ما زمان قبل از آنجا بوجود آورده بودند و نامش «اولین شب» و ردها اعضای قدیمی کمون ما را با کار و برنامه های کمون و همچنین دیگر اعضا آشنا کردند. بعد چند سرود از جمله «انترناسیونال و یاداران...» خوانده شد. اسم کمون ما اژدر بود. در اینجا همه بصورت کمون و با هم زندگی میکردیم و اعضای کمون را کارگر - دانشجو - دانشجو معلم - معلم - بیکار - سرباز تشکیل میدادند.

بنظر من کمون مانند لانه زنبور علی سیمانند که همه در آن کار میکردند و هر کس وظیفه مخصوص بخود داشت. نیش این زنبورها همانقدر برای بورژوازی و ارتجاع دردناک و رعبناک بود که شهد و عمل آن برای توده ها و طبقه کارگر شیرین.

صبحها در ساعت سمن ورزش بود و بعد صبحانه ای را که بوسیله مسئولین آنروز تهیه شده بود میخوردند. بعد هر گروه یا خود بدنبال وظایف خود بسوی گلستان توده ها پرواز میکردند. عده ای در بحث خیابانی شرکت داشتند. عده ای دیگر بخش و فروش علنی داشتند. گروهی در تدارک برنامه شب خود بودند. (شمار

نویسی، چسباندن پوستر) و چند نفر مشغول نظافت و تهیه غذا در کمون. هیچ کس بیکار نبود. و گروهها بعد از انجام وظیفه ای وظیفه دیگری را بعهده میگرفتند هر کس می میکرد با دیگری رقابت کمونیستی کند. اگر رفیقی به علتی نمیتوانست گروه خود را باری کند بلافاصله رفقای دیگری وظیفه بعهده گرفته و جای رفیق را داد و طلبانه پرمی - کردند. کمون با تمام ضعفها خوب کار میکرد و جلو میرفت.

شبها بعد از انجام وظایف و خوردن شام به جمع بندی کار آنروز و تنظیم برنامه فردا و همچنین گفتن خاطره هایی که رفقا در اثر برخورد با توده ها بدست آورده بودند (شهادت) میپرداختند. آنها در بین توده ها، هم میآموختند و هم میآموزانده اند. و آخر شب هم چند سرود سازمان برنامه یک روز را بپایان میبرد. صحبتها و خاطراتی که رفقا شبها در جمع مطرح میکردند آنقدر شیرین و جالب بود که بهتر دیدم چندتای آنها را برای رفقا مطرح کنم. برای نمونه رفیقی میگفت یک روز چندین ساعت پیاده بخش اعلامیه کرده و خسته بودم ولی هنوز مقداری از اعلامیه ها مانده بود به یک دکه آبمیوه رسیدم. دکه دار با خوشحالی اعلامیه ای گرفت و بعد از خواندن تیر آن با خنده گفت: خسته نباشی داداش. دست گرم! بیاجون من به شیرینی بخور گلوت و آبش از او تشکر کردم. ناگهان احساس کردم خستگی از تنم رفت با نیرو و سرعت زیاد به یک صف واحد نزدیک شدم و به همه اعلامیه ها دم آنها هم خیلی تشویق کردم. دیگر خستگی را نمی فهمیدم فقط یک وقت بخود آمدم که دیگر اعلامیه نداشتم. رفیق دیگری میگفت: یک دکه دار پرسید: فردا راه پیمایی دارید گفتیم آره گفت: ما هم می آئیم و حمایت می-

کنیم ما خیلی کم دیدیم که مردم اعلامیه باره کنند و حتی خیلی ها آنها را تا زده در جیب گذاشته و با خود میبردند تا نواده هایی را دیدیم که برای گرفتن اعلامیه شتابان بدنبال ما میآمدند. فقط گاه گاه کسی بوده ایها و اکثریتی ها بخود جرات داده مزاح میشدند.

رفیق دیگری نقل میکرد: یک موتوری مزاح کار ما بود ما اعتراض کردیم چند جوان نیز که در نزدیکی ما بودند نیز با اعتراض کردند موتوری (که احتمالاً پاسدار بود) گفت: آخه اینها "بیکاری" اند و آنها گفتند باشه بتوجه و موتوری که هواریس دید رفت در موقع شمار نویسی نیز مردم با گفتن: درود. زنده باشید خسته نباشید. پایدار باشید... نیروی ما را چند برابر میکردند و در مواردی حتی می ایستادند تا امضای زیر شعار را ببینند و با دیدن بیکار لبخندی زده و با کلمه ای محبت آمیز ما را تشکر میکردند. یک شب که بغل مفازه خیاطی را می نوشتم خیاط آمد و گفت: چی مینویسید رفیقی گفت: حرف امام را داد و گفت: شما از امام و دولت چی دیدید مگه گفتیم هیچ! رفیق کارگر همراه ما گفت ما می نویسیم مرگ بر سرمایه دار زنده باد کارگر. ولی پاسدارها که حامی سرمایه دارند ما را میگیرند و در زندان شکنجه میکنند ما دشمن تمام آنها هستیم در همین بقیه در صفحه ۱۲

## محصل مبارز، دانشجوی مبارز، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

## گزارشی از مراسم اول اردیبهشت در دبیرستان دخترانه فاطمه امینی (آذرم) میاندوآب

روز اول اردیبهشت جهت بزرگداشت روز مقاومت مراسمی از جانب سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) توسط کمیته هماهنگی برگزار شد. مراسم حدود یک ساعت ادامه داشت. در اول مراسم پس از خواندن سرود توسط دانش آموزان انقلابی پیام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در رابطه با بزرگداشت روز مقاومت دانشگاه این سنگ را زدیدی قرار شد. سپس شعر شهیدان توسط یکی از دانش آموزان خوانده شد. و دانش آموزان با دادن شعارهایی از جمله مرگ بر آمریکا مرگ بر ارتجاع و درود بر شهیدان سنگر آزادی " از آن استقبال نمودند. دانش آموزان هوادار سازمان در حین انجام مراسم بمیان توده های دانش آموز رفته و نشریات سازمان را بطور علنی می فروختند. بطوری که ۶۰ عدد نشریه " دان اولدوز" ( نشریه مطبوعاتی تشکیلات میاندوآب) و ۲۰ جلد کتاب از انتشارات سازمان در عرض نیم ساعت بفروش رفت. توده های دانش آموز بدور طرحها و بزرگنویسی ها جمع شده و مطالب آنرا با اشتیاق میخواندند. تعداد زیادی اعلامیه در بین توده های دانش آموز بطور علنی پخش شده بود. سرودهای سازمان بطور مرتب از توارپخش میشد مدیر مدرسه با تهنیت میخواست مراسم را برهم زند، میگفت بقیه در صفحه ۱۲

در گرفته بود. دانش آموزان انقلابی به بحث و افشاکاری پرداختند و راجع به ماهیت دوجناح رژیم و عملکردهای مسئولین مدرسه سوای جلوگیری از قتل لیت سیاسی صحبت کردند. و سرانجام حدود نیم ساعت بعد قرار شد همه پراکنده شویم. بچه ها شادمانا ز پیروزی و مقاومت انقلابیشان در مقابل فالانژها و مستو لیت مدرسه بطرف خانه ها براه افتادند.

را راها کنند و بیروند. مجاهدین فروش نشریه را در مدرسه شروع کردند که البته ماهم قصد فروش پیکار داشتیم ولی بدلیل کم کاری اینکار را انجام ندادیم. بچه ها همچنان در حال حفاظت از نمایشگاه بودند. فالانژها باز خود را برای حمله به فروشنده " مجاهد" و همچنین بنمایشگاه آماده میکردند. بچه ها دیگر تاب نیاوردند. شعار " مرگ بر ارتجاع" همه جای مدرسه را گرفته بود. مجاهدین بیست و هفتاد نفر از بچه ها میخواستند که شعار ندهند و ساکت باشند. اما اثری نداشت دانش آموزان نسبت به فالانژها حالت تعرضی گرفتند و با دزدیده شدن نشریه مجاهد توسط یک فالانژ با شعار مرگ بر ارتجاع و آگاهی توده ها نابودی ارتجاع با سنگ به در مدرسه میگویند. عده ای



بقیه از صفحه ۲۰ بیاورید

می گوئیم که جمع کنید اگر نکردید با قاطعیت عمل میکنیم. اما حرفهای او هم اثری نداشت و دانش آموزان برای حفاظت از نمایشگاه زنجیر گرفته بودند در اینجا لازم است به برخورد یکی از نیروهای موجود در مدرسه یعنی " راه کار - گر " اشاره کنیم. آنها بلافاصله پس از شروع نمایشگاه با کار ما مخالفت کرده و آنرا چپ روی خواندند و بین بچه ها تبلیغ میکردند که اینکار باعث درگیری در مدرسه و بهانه دادن بدست مسئولین



از بچه ها در بیرون عده ای در داخل مدرسه بودند. ما با سنگ اندازی مخالف بودیم ولی بعضی از بچه ها اینکار را هم انجام میدادند.

یکی از دبیرهای فالانژ برای سخنرانی آمد ولی وقتی با شعارهای دانش آموزان مواجه شد باز داخل رفت. بچه ها دبیر را هو کرده و شعار میدادند " کارگر - زحمتکش ستون انقلاب است - هم حزبی - هم لیبرال دشمن انقلاب است - دیگر همه بچه ها به بیرون مدرسه ریخته بودند. در این بین یکی از دانش آموزان بوسیله فالانژها مجروح شده بود. او را بروی زمین کشیده و پایش را زخمی کرده بودند. در بیرون مدرسه بحث و سیاهی آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مدرسه میشود و همچنین از آنها میخواهند که بدین نمایشگاه نیابند و از آن محل دور شوند. که البته تبلیغات آنها هم اثری نداشت. اما فالانژها بلاخره طاقت نیاوردند و آمدند تا با قیچی نمایشگاه را باره کنند. بچه ها زنجیر مقاومت درست کرده و آنرا محکم و محکم تر کردند. بچه های معمولی مدرسه هم در زنجیر مقاومت فعالانه شرکت میکنند. بلاخره فالانژها نتوانستند خودشان را بنمایشگاه برسانند و آنرا پاره کنند این بود که حقه دیگری زدند و اعلام کردند که تا نمایشگاه برقرار است ما به کلاس نمیرویم. زنگ خورد اما نه فالانژها حاضر به رفتن بودند و نه بچه های دیگر حاضر بودند تا نمایشگاه

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

ایدیعی در مقابل اسلام باطله قیام کرده ایم یعنی با رژیم حاکم به مبارزه میسر. خاسته ایم نمیتوانیم صحبت کنیم و نمی توانیم مجلس با هم داشته باشیم "هما نجا - تا کیدها وتوضیح از ماست

خمینی در این سخنان علاوه بر آنکه میگوید مجاهدین خلق را به طور کامل از هرگونه ابزار مبارزاتی (نه اسلحه) خلع سلاح نماید بلکه مصمم است که آنان در مقابل دولت که تحت رهبری "حزبیه" است جنایتکار میماند نیز دست از هرگونه مبارزه بشویند. آری! خمینی دقیقاً خواهان آن است که مجاهدین خلق دیگر شما رخلع یزدان "حزب" یا این شما را خرافاتی ما بطور ریشه ای مرزبندی داریم) را سر ندهند و در دست در اختیار "حزبی" ها و با بهتر در اختیار رژیم حاکم قرار بگیرند. در این سخنان خمینی به آشکارا نشان میدهد که چگونه از نوکران درگاه خود پشیمان نبسی میکند و چگونه از این رویزیونیستهای خاشاک شده ای و اکثریتی و... بیستابسه نیروی ذخیره و فرعی رژیم حاکم در درون جنبش کارگری و توده ای سود میجوید:

"شمالان میبینند که بعضی اجزایی که خرافاتی هستند و ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمیکنیم معذالک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند هم آزادند و هم نشریه دارند بطور آزاد"

همانجا

آری! سخنان خمینی در یک کلام در چارچوب "قانونیت" بخشیدن به حاکمیت دشمنان توده ها و خنثی کردن مجاهدین خلق و تبدیل کردنشان به نیروی ذخیره رژیم حاکم و چگونگی طرز استفاده از کارکنان حلقه بگوش بورژوازی میکنند. او خام اندیشانه مصمم است که سال "قانون" را به تحقق رساند. او به هیچ وجه مافرنیت با مجاهدین خلق با وجود ایده های انقلابی در آنان به گفتگو نمیشیند.

**ضمانت لیبرالها،**

**دامی برای مجاهدین**

"لیبرالها"ی خاشاک از گرایشات خرا - فی عمیق مجاهدین می خوشامدند و نراد ر

جهت پیشرفت منافع خویش می بایند بهر طریقی کوشش دارند آنان را در چارچوب "قانون" رژیم جمهوری اسلامی تشبیه کنند نمایند. بعد از نوشتن نامه به خمینی از سوی مجاهدین خلق "لیبرالها" بدست و بسا افتادند

روزنامه "لیبرالسی" میزان در سرمقاله روز یکشنبه بیستم اردیبهشت با عنوان "بغاطر خدا، همه راهها را بنیدید" مینویسد: "اگر واقعا میخواستیم راه حل مسالمت آمیز را جایگزین روش خشونت و انتقام ما رژیم چرا با قدم اول اینکاره ملاقات و مذاکره است مخالفت نمائیم... سی اشروبی نتیجه بود روش - های خشونت آمیز اعمال شده در دو سال گذشته چیزی نیست که ما اظهار اوا دعوا نمائیم این مطلبی است که روزنامه های وابسته ما موافق جریان حاکم اکنون به خوبی دریافته و اعتراف مینمایند...

امروز نیز حتی با آن روشها که خیال کنی از ذهنها دور باد، نیز نمیتوان ریشه آنان را از صحنه خارج ساخت. تا کیدات از ماست

بنابراین می بینیم که چگونه در پیوتش حمایت از مجاهدین خلق برای انسان دام می گستراند. می بینیم که چگونه حرفهای "لیبرالها" نیز در چارچوب همان اهداف سه گانه رژیم حاکم می گنجد. آنان از یک طرف به بیهودگی سرکوب عربیان و آشکارا برای زدن "ریشه" مجاهدین معترفند و از طرف دیگر "راه حل مسالمت آمیز" که چیزی جز همان چارچوب "قانون" جمهوری اسلامی و همان جذب با خنثی کردن مجاهدین خلق را در بر ندارد بعنوان روش قابل استفاده برای رژیم جمهوری اسلامی در پیش رو میگذارد. این روزنامه ارتجاعی در سرمقاله روز شنبه بیست و ششم اردیبهشت بازمی نویسد: "چه میشود در آن اشخاص یا گروهها که نمی بینیم دشمن خویش میدانیم نقاط قوت و اشتراک را با ما و بر پایه تفاهم و برائت، تسلائی در مصیبت و نزدیکی نمائیم؟ منظور سازش با دشمنان اسلام و انقلاب نیست بلکه آشنی با کمپانی است که میتوان با آنها

**جبهه ای قوی** در برابر دشمن اصلی تشکیل داد"

در اینجا نیز همان اهداف سه گانه به آشکارا دیده میشود. دیده میشود که چرا "لیبرالها" از مجاهدین خلق دفاع میکنند. آنها دفاع میکنند چرا که مجاهدین خلق با گرایشات حاکم برخورد میتوانند جبهه آنان را مستحکمتر سازند آنان بهیچوجه با "دشمنان اسلام و انقلاب" - ب (توبخوان کمونیستها و انقلابیون راستین) "سراشتی و سازش ندارند که هیچ بلکه خواهان سرکوب هر چه تدبیر آنان هستند. آری! مجاهدین خلق باید ماهیت و محتوای تمام "صانیت نامه ها" را درک کنند. مجاهدین خلق باید انحراف خود را ریشه یابی نمایند تا دام این چنین جنایتکارانی نیافتند.

**سیاست "حزب"، سیاست "سگ" "قانون"**

همانگونه که اشاره رفت از ابتدای سال جدید "حزبها" در ادامه همین چرخش ضد انقلابی رژیم حاکم و بدنیال اصل خنثی کردن یا جذب نیروهای متزلزل و ناپایگیر، بیشترین حملات را در صفحات نشریات ارتجاعی خود منوجه مجاهدین خلق نمودند. آنان با زدن ایده های انقلابی مجاهدین و جدا سازی هواداران از کادرها در عین حال که سرکوب آنان پای میفشردند تمایل به احرای ایمنی اصل داشتند. اما بعد از پیام خمینی می بینیم برخوردشان صورت دیگری بخود میگیرد. روزنامه کیهان به اصطلاح شاخه خود را با مجاهدین تا تعیین خط مشی آنان قطع میکند. روزنامه جمهوری اسلامی (چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت) هم در سرمقاله و هم در مقاله ای نوشته عسکراولادی ساواکی قدیمی و "حزبی" کنونی اصل را بر جذب مجاهدین خلسبق و "پند و اندرز" دادن به آنان قرار میدهد. عسکراولادی مینویسد: "اکنون بهتر است که روی سخن با کادرها و اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق باشد که همان بهوش باشید و فرصتهای نیکو را غنیمت شمارید"

**علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پییکار توده ها!**

و بعد از آن در شماره های پنجشنبه و شنبه روزنامه جمهوری اسلامی می بینیم که چگونه " حزبها " دم از بیان آشکار و صریح فرمی بنهند و در پوشش مبارزه فلسفی زبان گنگ و ناروش را انتخاب میکنند . " حزبها "ی جنایتکار کسه خون صدها نفر از زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها از چنگال آنان فرو میریزد کسانیکه همراه لیبرالها تما می بزار سرکوب برابری علیه انقلاب بکار گرفته بودند کسانیکه هم اینک باندهای سیاه و دستمال ت فالانژ و دسته های مسلح رسمی انسان بشکار روسرکوب انقلاب میگردانند . کسانیکه در سال گذشته مجاهدین را از زمره " کفار " می پنداشتند بعد از آن سیاست جدا سازی هواداران "مدیق" از کادر های " جنایتکار " ، بعد از زدن هزاران اتهام و افترا به مجاهدین خلق ، هم اکنون چند روز بعد از پیام خمینی کسل مجاهدین خلق را در جهت جذب آنان مورد خطاب قرار میدهد و در همین حال روزهای دیگر کماکان گویند آنها را بعهده میگیرد این سیاست ناشی از چیست ؟

" حزبها "ی بدست خون آلوده میدانند سنگبری مجاهدین خلق نه بسوی انسان بلکه بطرف رقیب مقابل یعنی "لیبرالها" میباشد . " حزبها "ی جلاد میدانند مجاهدین خلق به تقویت رقیب مقابل می پردازند . اینست که هم نمیتوانند از اصل مال " قانون " تخطی جویند و هم نمیتوانند شاهد قدرت یابی جناح رقیب باشند ، به این خاطر است که دچار تناقض گویی و گرفتاریهای سیاسی میشوند .

بنابراین نتیجه میگیریم رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود سعی در " قانونیت " بخشیدن خود دارد . در این رابطه نیروهای متزلزلی همچون مجاهدین خلق را میخواهد ضعیف یا جذب نماید . مجاهدین خلق نیز با اتخاذ سیاستهایی اینچنینی که گرایشات لیبرالی شدیدی آنها را عیان می سازد دل رژیم را از خوردن چنین لقمه لذیذی بدرد میآورد . اینست که از همه جانب بسوی او حمله ور شده و با هزاران ویک شویه تحکم ، نصیحت ، "بیگانه سازی" ، لطیف و صحبت آمیز و ... سعی در تشاحب او دارد .

بقیه از صفحه ۱۸ فرقیسم ...

گسترش دهند . آنان با شرکت در همه ساززه توده ای در راه خواسته های جزئی ، ضرورت انقلاب و ضرورت سرنگونی بورژوازی را به میان توده ها میبرند و به آنان در عمل نشان میدهند که تحقق در خواسته های کارگران و زحمتکشان در جا معسر مایه - داری هرگز عملی نخواهد بود !

رایبعا ، کمونیستها برای انقلاب میرومند ، نه برای رفم ، اما هنگامیکه مبارزه انقلابی توده ها ، بورژوازی را مجبور به پذیرش برخی خواسته هایشان نماید ، هنگامیکه مبارزه انقلابی طبقاتی معمول فرعی خویش یعنی رفم را بکسب ارمغان آورد ، از همان رفرها نیز برای بسط هر چه بیشتر دامنه انقلاب سود خواهند برد ! بقول رفیق استالین :

" برای شخص رفرمیست رفم - غایت مقصود و عملیات انقلابی فقط برای بحث و خالی نبودن عریضه و اغفال است ، و بداین سبب رفم در صورت وجود تاکتیک رفرمیستی و در شرایط حکومت بورژوازی حتما به است استحکام این حکومت و تفرقه انقلاب بدل میگردد .

اما برعکس برای شخص انقلابی ، موضوع عمده عملیات انقلابی است نه رفم - برای او رفم فقط محصول فرعی انقلاب است باین مناسبت رفم ، در صورت وجود تاکتیک انقلابی و در شرایط وجود حکومت بورژوازی ، طبعا به است انحلال این حکومت و استحکام انقلاب و به تکیه گسسه توسعه بعدی دامنه نهضت انقلابی تبدیل میشود ، شخص انقلابی رفم را برای آن قبول میکند که آنرا چون جنگکی برای اتمسال عملیات علنی با غیر علنی بکار برد و از آن ما نند سرپوش برای تقویت عملیات غیر علنی بمنظور تهیه انقلابی توده ها جهت سرنگون ساختن بورژوازی استفاده نماید .

این است معنای استفاده انقلابی از رفم و سازش در شرایط امپریالیسم . اما رفرمیست برعکس ، رفم را برای آن قبول میکند که از هر نوع عملیات غیر علنی اجتناب ورزد ، بکار تهیه توده ها برای انقلاب لطمه وارد آورد و در درزیر با رفم اعطا شده "لم داده" و استراحت کند . این است معنای تاکتیک رفرمیستی ( استالین در ارجاع به اصول لنینیسم )

بقیه از صفحه ۹ کمون ...

موقع امضای شعار نوشته شد " بیکار و غیاط بالیندی گفت موفق باشی در رفقا و رفت .

هرگاه رفیقی را دستگیر میکردند گویی آب سردی روی اعضا کمون ریخته شده و کمون شور همیشگی را نداشت ولی هر شب که رفیقی آزاد میشد یا بدون تلفسات و با بازده زیاد کارها انجام میشد کمون شور دیگری داشت رفقا از شوق یکدیگر را در آغوش کشیده یا با مشت میزدند و تا پاسی از شب گذشته بخواندن سرود میپرداختند .

بالاخره اول ماه مه رسید کمون ما وظیفه سنگینی را بعهده داشت . صبح رفقا رفتند و بعد از انجام مراسم دوباره به کمون آمدند بیاد رفقای دستگیر شده و همچنین برای خدا حافظی تعدادی سرود خواندیم صبح روز شنبه بعد از ورزش و سبحانه موقع جدا شدن بود کمون وظیفه اش به پایان رسیده بود لحظات دشواری بود کمون خانواده ای که در همه چیز با هم توافق داشت اکنون چند عضو خود را جدا میکرد . مشکل بود ولی وظایف جنبش کمونهای دیگری را طلب میکرد . ناچار با هم خدا حافظی کرده و جدا شدیم ولی تا شیری که کمون وزندگی گسوسی روی اعضا خود داشت جدا شدنی نیست . به امید روزی که کمونی بزرگ به اندازه جهان بها کنیم .

بقیه از صفحه ۱۰ گویشی ...

به پاسداران تلفن میکنم تا بپروند و دستگیرتان کنند ، ولی دانش آموزان مقاومت کرده و گوش به حرفهایش نمی دادند . رفقای هوادار دست به ابتکار زده و صندوق پیشنهادهای و کمک مالی گذاشته ، که با استقبال دانش آموزان و مسلمین انقلابی روبرو شد . اکثریت های دانش و فالانژهای مدرسه میخواهند با رفتن سر کلاسها دیگر دانش آموزان را نیز بکلاسها بکشانند و از اجرای مراسم جلوگیری کنند . ولی از توده های دانش آموزان کسی بکلاس نرفت و آنها پیش از پیش منفرد شدند و رفقا توانستند بطور کامل مراسم را اجرا نمایند . " آزادی فعالیت سیاسی حق مسلم دانش آموزان انقلابی است "

زمان خواهد بود با شروع کارمان حصول محورهای مشخص و دقیق فعالیت انقلابی در طول تابستان که خود در ادامه کار و فعالیت‌های قبلیست. اما از آنجا که کمنیست‌ها همیشه هدفمند یا تیرنامه و آگاهانه حرکت میکنند و بدینوسیله از حرکت خود بیخودی - اطلاق انرژی بیپوده و ناروشنی در کار و فعالیت می - برهیزند بنا بر این ما نیز باید در دور کار تابستانی خود محورهای فعالیتیمان را روشن کرده و پهای سازماندهی و برنامه ریزی آن برویم. بر مبنای این ضرورت است که در اینجا میکوشیم تعیین محورهای اصلی کار و فعالیت کمنیستی ما در طول تابستان و توضیح چارچوب و زمینه‌های کار حصول مرکب از آن محورها بپردازیم. پیش

## محورهای فعالیت

- ۱ - فعالیت تبلیغاتی - ۲ - حفظ ارتباط با دانش آموزان دانشجویان کمنیست و انقلابی - ۳ - فراگیری مارکسیسم لنینیسم ، و انطباق خلق آن با شرایط جامعه خود - ۴ - فعالیت‌های ورزشی و رزمی

### اهم فعالیت تبلیغاتی

اعتلا انقلابی جامعه و اوچکبندی جنبش توده‌ای همچنان تبلیغ را بعنوان وظیفه اساسی و محوری ما قرار میدهد و سی شک گسترش روز افزون آنرا مطالبه تبلیغ وسیع در میان توده‌ها - افشاکری

باشد - برای انداختن بحث‌های وسیع توده‌ای - استفاده از شیوه انجام سخنرانی - های خیابانی (در خیابانها و میدانهای شلوغ و یا در اطراف بساتین فروش کتاب) حول محور مشخص با جلب توده‌های وسیع - اجرای تئاتر خیابانی - برپا بوسی نمائندگان - پخش مغنی و عینی اعلامیه - شعاری و موسیقی - بپا کردن مظهر و با تون - های توده‌ای و... از جمله شیوه‌های اساسی و محوری تبلیغ توده‌ای است. که برای پیشبرد هر چه بهتر و با کیفیت بالاتر آن - مطالعه مجدد و دقیق سلسله مقالات مندرج در "پیکار" تحت عنوان "تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم لنینیسم" را توصیه کرده و خود نیز تلاش خواهد کرد تا در طول این مدت با رهنمودها و آموزش‌های مشخص حول شیوه‌ها و فنون مختلف تبلیغ به رفقا یاری

از هر چیز با ایدای مسئله برایمان روشن باشد که این محورها ، محورهای نیست که قبل از این در دستور کار ما نبوده و اکنون مبارزگی در تابستان در دستور کار ما قرار گیرد. بلکه از آنجا که با تعطیلی مدارس ، رفقای دانش آموز وقت آزاد بیشتری دارند ، این فعالیتها که در قبیل نیز وجود داشت باخوان بیشتری باید دنبال گردد. از طرف دیگر برای رفقای دانش آموز محور فعالیت از مدارس به خیابان انتقال مییابند. واضح است که تعیین این محورها کار بی‌دردون آنکه از پشتوانه نیروی توان کمنیستی رفقا برخوردار باشد غیر عملی است. پس رفقا! با ایمانی مستحکمتر از پیش با گامهایی استوارتر از قبل - با غرور و سادگیم همیشه برای پاسخگویی بنیازها و ضروریات جنبش برای ادامه و گسترش کار و فعالیت انقلابی و کمنیستی حول محورها ی زبر در طول تابستان به پیش!

### محورهای فعالیت

### انقلابی و کمنیستی در تابستان

از نظر ما کار و فعالیت انقلابی تابستانی حول چهار محور اساسی زبر سازماندهی و برنامه ریزی میگردد:



و آگاهگری در میان آنها با ایدیه شیوه‌های گوناگون با بکارگیری تمامی تجاربسی که در طول دوره مبارزه انقلابی و بخصوص در یکسال گذشته کسب کردیم و همچنین با بکارگیری قوه ابتکار و خلاقیت انقلابی در ابداع شیوه‌های نوین کار صورت گیرد. در این زمینه بر راه انداختن بساتینهای فروش کتاب و نشریه که همراه ما چپا شدن او را لید و مطالب افشاگرانه و تبلیغی

رسانیم! از مسائل مهم در تداوم تبلیغاتیمان علاوه بر مضمون کمنیستی این تبلیغات سمت و سواد آن هر چه بیشتر تبلیغات در میان مناطق پرولتری (محل زیست کارگران صنعتی) میباشد. (مادر این زمین در شماره‌های بعدی نشریه مطالبی مینویسیم)

## به استقبال جنبش اوچکی رنده توده‌ها بشتابیم

### ۲- حفظ ارتباط با دانش آموزان و

### دانشجویان کمونیست و انقلابی

در این زمینه تا کید ویژه بر روی حفظ ارتباط رفقای دانش آموزان با یزدانشش آموزان کمونیست و انقلابی همچون حفظ ارتباط با توده های دانش آموزیست که بسوی نیروهای انقلابی و کمونیست است گیری داشته و توان و آمادگی پیوستن به صفوف مستحکم و مقاوم کمونیستها را دارند. ضرورت حفظ این ارتباط از دو زاویه مطرح میشود. اول اینکه حفظ چنین ارتباطی با توده های انقلابی با مستند دانش آموز و پیشبرد کار تبلیغی و ترویجی در میان آنها - رساندن نشریه و یا انجام کار مطالعه و کتابخوانی با آنها و ...

یکی از اساسی ترین وظایف ما است که منجر به جذب عناصر و توده های هر چه بیشتری است کمونیستها خواهد گردید و یکی از وظایف ما یعنی تبلیغ و ترویج سوسیالیسم در میان توده های دانشجویی و دانش آموزان تحقق خواهد بخشید. باید توجه داشت که در برگزیدن دانشجویان و دانش آموزان بمنظور ادامه ارتباط با آنها در طول تابستان، هر چه به خط صحیح مارکسیستی نزدیکتر باشند از درجه اهمیت بیشتری برخوردار هستند. ما کارمان را با ابتداری دانش آموزان و دانشجویانی که برای پذیرش خط مشی مارکسیستی استعداد بیشتری دارند متمرکز میکنیم.

دوم اینکه حفظ چنین ارتباطی با دانش آموزان مدرسه باعث خواهد شد که ما از این طریق همگی در جریان مسائل و وقایعی که در طول تابستان و نیز در ابتدای سال تحصیلی آینده و موقع ثبت نام و ... در مدرسه پیش میآید باشیم. و برای مثال در خنثی کردن توطئه های بی چون عدم ثبت نام دانش آموزان شناخته شده انقلابی و کمونیست در سال آینده و یا تمهید گرفتن از آنها و ... منحصرا عمل کنیم و از مقاومت جمعی و انقلابی دانش آموزان در مقابل توطئه ها و برنامهای متکولین مدارس استفاده نکنیم.

مسلم است که حفظ و برقراری چنین ارتباطاتی نیاز به گانال های ارتباطی است.

مناسب و متنوع دارد که در این مسوره رفقا میتوانند از ترتیب دادن برنامه های کوهنوردی، مسه جمعی و با شرکت دادن این رفقا و دوستان انقلابی در برنامه های کوهنوردی که برقرار است، برآید و انداختن برنامه های در زمینه ارتباط کوهنوردی با زحماتشان و شرکت دادن آنها در این برنامه ها، گذاشتن برنامه مطالعه کتاب و نشریه با آنها، تشکیل واحدهای ورزشی و رزمی در محله ها، پارک ها و سایر محل های که امکان پذیر است و ... استفاده میکنند. برقراری چنین ارتباطاتی در مورد رفقای دانشجویی نیز صادق است.

### ۳- فراگیری مارکسیسم-لنینیسم و

### انطباق خلق آن با شرایط جامعه خود

روشن است که آموزش مارکسیسم لنینیسم ایدئولوژی طبقه کارگر، همواره در دستور کار تمامی دانش آموزان کمونیست قرار دارد و باید فراگیری این تنها علم رهائی طبقه کارگر همواره از سوی مادر میان دانش آموزان و دانشجویان تبلیغ گردد. این آموزش بر عرصه های مختلفی چون سیاست، تشکیلات، اخلاق، فلسفه و ... را در بر میگیرد.

در کلیه این زمینه ها، از سویی باید به فراگیری اصول عام مارکسیسم-لنینیسم پرداخت ولی از آنجا که آموزش این اصول بدون کوشش در جهت انطباق خلق آن با شرایط جامعه و کسب نتایج صحیح برای پیشبرد امر انقلاب، دیدگاهی بدو را از مبارزه طبقاتی و روشنفکرانه میباید، با توجه به برآمدن جنبش کمونیستی و مسائلی که در ذهن ما و توده های کارگری زحمتکش مطرح است باید این آموزش عمدتا حول مسائل مطرح در جامعه (چند در زمینه سیاسی، تشکیلاتی، اخلاقی و فرهنگی و ...) باشد.

"آبان" بنوبت خود خواهد گوشتابا بسیار افزایش حجم صفحات آموزشی در زمینه های مختلف و به ویژه در زمینه سیاسی و تشکیلاتی رفقیسما را در این زمینه بسیار رسانند.

### ۴- فعالیتهای ورزشی و رزمی

تشکیل واحدها و گروههای ورزشی جمعی و انجام فعالیتهای متنوع ورزشی یکی از وظایف محوری در طول تابستان است که از جنبه تقویت توانا شیطای جسمی و بدنی، ایجاد دایمی و روحیه قوی، پرورش روحیه منضبط و نظم پذیری پرور لتری و همچنین بدلیل جسمی بودن در ایجاد ورزش روحیات جمعی و شرکت کنندگان در برنامه ورزش و ... اشیرات بسیار مثبتی دارد. این برنامه هفتمای ورزشی همچنین میتواند از طریق برنامه های کوهنوردی هفتگی، نیز پیش برود. اما در این رابطه باید به این نکته دقت کرد که در شرایط کنونی فعالیتهای ورزشی باید با فراگیری فنون رزمی و کسب آماجگهای رزمی فردی و جمعی تلفیق گردد. آموزش های رزمی بعنوان بخشی از فعالیت ورزشی محسوب و عملی گردد.

### بفیه از صفحه ۶ انتزاعیست...

های ویژه نظامی تعدادی از آنان را به مرگ با حبس ابد محکوم نموده است. خطر مرگ بهترین سربازان و کارگران و دهقانان انقلاب را تهدید میکند. ارتش های استعماری مانند اینکه سرزمین فتح شده از آن آنان است، از اماکن کارگری میگذرند. این یک افتخار بزرگ بسرای جوانان و طبقه کارگر جهان است که حملات خونین فاشیسم را دفع نموده و به پرولتاریه یای اسپانیا برای حفظ قدرتش کمک نماید. طبقه کارگر اسپانیا عقب نشینی نموده ولی شکست نخورده است. مبارز هنوز ادا م دارد. طبقه کارگر، مسلح به تجربیاتی که در انقلاب اکثریت است آورده است، در جهت برافراشتن پرچم قدرت شوراها حرکت میکند، پرچمی که برای مدت ۱۵ روز در بابت استواران فاتحان برافراشته شد، پرچمی که در سراسر اتحاد جماهیر سوسیالیستی اسپانیا با اهتزاز در خواهد آمد.





### اخباری از مدارس سنندج

## برگزاری مراسم اول ماه مه در دبیرستان نوین یاد سنندج

### سنندج - دبیرستان وازی

روز چهارشنبه ۶۰/۲/۹ ماهواداران دور هم جمع شدیم تا برنامه‌ای برای روز بعد و چگونگی اجرا و برگزاری آن برنامه به مناسبت اول ماه مه داشته باشیم و فردا - ی آن روز بتوانیم بهترین و بهترین نتیجه را سازمان دهیم از این رو پس از بحث کردنها به این نتیجه رسیدیم که رنگ تفریح دو ساعت آخر این برنامه در یکی از راهروهای مدرسه برگزار شود. قبل از شروع اعلامیه‌ها و پوسترها را هواداران روی دیوارها بچسباند و به همه بگویند که چه موقع این مراسم برگزار خواهد شد. بعد در مورد شمارهایی که با این روزها - سبت داشت فکر کردیم و چند شمار را از آن میان انتخاب کردیم. و قرار شد رفقا آن شب تعدادی از این شمارها را تکثیر کنند و فردا به دانش آموزان بدهند.

صبح روز بعد در مدرسه شور و شوقی برپا بود. همه در آمدورفت و جنب و جوش بودند از چهره همه خوشحالی میبارید و از صورت همه میشد فهمید که چه غیراست و همه لحظه شماری میکردند و بالاخره وقتیکه همه منتظرش بودیم رسید همه با هم در یکی از راهروهای مدرسه جمع شدیم خیلی زود دیوارها پر از اعلامیه و پوسترهای سازمان نهی انقلابی و کمونیستی بضمیم سازمان بیکار شد و بچه‌ها با اشتیاق دور آن‌ها جمع شده و شروع به خواندن کردند. اکثریت آنها و توده‌ایها هم هر طور می‌توانستند بودند به میان بچه‌ها بیایند و به اصطلاح آنها هم این روزها جشن بگیرند در هر صورت خیلی زود سرود خواندن آنها و شعار دادنها شروع شد. بچه‌ها بخوبی شور و شوق داشتند که سالن و مدرسه از صدای آنها میلرزید. تعداد بچه‌ها با توجه به تعداد آنها در دفعات قبل خیلی زیاد

تر شده بود. خیلی از کسانی که همیشه کنار میکرفتند و با اصطلاح بی طرف بودند و یا حتی تعدادی که اکثریتها و توده‌ایها مدتی زیاده رویشان کار کرده بودند و لسی تیرشان به سنگ خورده بود. در میان ما بودند و همگی با هم بر حرارت و گرم شعار میدادیم.

رهبر خلق جهان کارگر توهرمان بزی همی کریکار با پروژه استثمار تا اینجا اکثریتها و توده‌ایها با ما بودند و ظاهراً هم خود را خوشحال نشان می دادند ولی همینکه شعار دادیم:

مرکوب زحمتکشان کشتار کارگران خفقان در مدارس تعطیلی دانشگاه بسپاران کرد نشان ....

یابستی مدرو بهشتی در کشتار کارگران - مرکوب زحمتکشان متحد و برادر و با جهاد سازندگی نهاد انقلابی؟ زحمتکشان ما را بیاک و خون میکند

دهانهایشان بسته شد و اخمهایشان در هم رفت چرا که برادران حزبشان از آنها دلگیر میشدند.

زمانی خوب و جوی انقلابی برای اشیای ماهیت خاستگان اکثریت و توده‌ای بود از این روشها دادیم:

اکثریت و توده‌ای نوکران شوروی

این شعار بخوبی در میان بچه‌ها جا گرفت و این بار را تا از همیشه بچه‌ها شعار را تکرار کردند.

این بار دیگر توده‌ایها و اکثریتها گریه‌اشان گرفته بود و بهتر بود تا آنجا که چشمانشان راز بر نمانده محیط را تکرار کنند ولی بعضی از آنها برای حفظ آبرو هر جوری بود تعادل خود را حفظ کردند و ماندند. دیگر برایشان ثابت شده بود که چنانچه نشان لا اقل نزد دانش آموزان کردستان رنگی ندارد و ماهیتشان برای همه افشا

شده است. واضح است که در این میان جاشها مانند همیشه سرگرم آمدورفت و نگاههای چپ چپ بودند ولی خوب کاری از دستشان ساخته نبود و اگر هم میخواستند اسم رد کنند می با بست لیمت طوبلی تحویل مدیر مدرسه و یا رئیس آموزش و پرورش میدادند.

ناظم و معاون مدرسه هر چند گاه بیکار میآمدند و به بچه‌ها دستور میدادند که متفرق شوند ولی کمی بود که بعضی آنها با گوش کنند. وقتی میخواستند دست ببرند و اعلامیه‌ها را بکنند با فریاد سرگ برار - نجاع رفقای دانش آموز رو برو شده از اینکار معصوم میشدند.

مدیر مدرسه که در تمامی این مواقع سر و کله‌اش پیدا میشد اینبار چون میداد - نسبت دانش آموزان به حرفهایش توجهی نخواستند کرد. اطلاعات ما این برنامه کسب حدود نیم ساعت طول کشید خیلی خوب توانسته بود توجه همه را جلب کند و اغلب بچه‌ها را بدین حال خود بکشاند.

با توجه به تعداد دانش آموزان و تکرار شعارهای انقلابی و نیز با توجه به اینکه جو خفقان در مدرسه، خیلی زیاد شکسته شده است این مراسم بخوبی و بسیار بهتر از دفعات قبل برگزار شد.

### ”جهاد سازندگی، نهاد انقلابی!“

### زحمتکشان ما را بیاک و خون میکشد

در پی بخون کشیدن کارگران بیکار معترض در جهاد سازندگی سنندج که منجر به کشته شدن کارگر و مجروح شدن عده دیگر - دیدن در روزهای ۶۰/۲/۶ و ۲/۷ در اکثر مدارس سنندج نظراتی صورت گرفت. از جمله در دبیرستان کوروش سابق ظاهر - ات با شکوهی برگزار شد. در دبیرستان دخترانه نوین با همین دانش آموزان در سالن اجتماعات این دبیرستان مراسم بزرگوار کردند و در دبیرستان مستوره به همین مناسبت به تظاهرات پرداخته و فالانژهایی را که در مدرسه مشغول تدریس بودند به یادگت گرفتند. شعارهایی که در این تظاهرات داده میشد بدین قرار

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



سندج

۶۰/۱/۲۱

در مدرسه راهنمایی عبداله قلی مهدی دخترانه اعلامیه که مربوط به یکساز سازمانهای انقلابی بوده بدو بار مدرسه نصب میشود بعد از مدتی ۲ پاسدار در جلوی مدرسه حاضر شده که مسلح به اسلحه و گاز اشک آور بوده اند از دانش آموزان میپرسند مدیر این مدرسه کجاست در همین هنگام رنگ خانه بعد از مدتی آمد و دانش آموزان همه از کلاسها بیرون میآیند مدرس همراه یکی از مطمین به پیش پاسداران آمده و به آنها میگوید این اعلامیه را دانش آموزان این مدرسه نگویید و ندولی آنها این را با ورت کرده و میگویند بوسیله همین دانش آموزان این کار انجام شده است بلاخره پاسدار ارتجاع برای اینکه معیبه و حثت و ترس در میان دانش آموزان ایجاد کند گاز اشک آور را به میان نشان پرتاب میکند برآستی این حرکات چیزی جز وحشت ارتجاع از جنبش دانش آموزی نیست!

دانش آموزان انقلابی

جلوی اخراج یارانشان را گرفتند

سندج - دبیرستان رازی

بعد از ظهر روز ۶۰/۲/۱۲ دانش آموزان به خاطر اعتراض به اخراج ۷ نفر از دانش آموزان و بازگرداندن آنها به دبیرستان (که در ارتباط با تظاهرات اول ماه مه) اخراج شده بودند) دست به تجمعی و تظاهرات زدند، بچه ها شعارها و سرودهای زیسر را تکرار میکردند (هیزی گسل - بی ناوی - خهبات، نهی ره قیب ..... فصل اخراجی، هم رزم انقلابی حمایت میکنند) مرگ بر پاسدار حامی سرمایه دار - مرگ بر جاش مرگ بر ارتجاع -) تعداد بچه ها خیلی زیاد بود، چند نفر از بچه ها با وسایط رتیش دبیرستان چند بار با سلیمانی مرتجع (رئیس آموزش و پرورش) تماس گرفتند اما جوابی نشنیدند، بچه ها نیز پیگیرانه جریان را دنبال کردند و به تجمعی خود ادامه دادند، تعدادی از بچه ها مشغول زدن تراکت، و بزرگ نویسی بروی دیوار بودند، مسئولین و مطمین مرتجع برای خاتمه دادن بحریان خواهش

بود :  
 - جها سازندگی آنها را انقلابی از حثت  
 - کشان ما را با خاک و خون میکشد  
 - جلا خون میریزد خلق بیامیغیزد  
 - و سرود بی ناوی و پوشه هیدو ...

تبلیغ عملی در دبیرستانهای

سندج

در روز ۶۰/۲/۱۲ در برخی از دبیرستان - نهای سندج از جمله کوروش - خدمات و ... فروشندهی تشریفات بیکار و ۲۳ آبان صورت گرفت که با استقبال بسیار زیاد دانش آموزان مواجه شد. بخصوص که بعد از مدتها اولین بار بود که در دوران خفای - ن کار عملی انجام میگرفت. دانش آموزان از این عمل انقلابی و جسورانه رفقا حمایت و استقبال نمودند.

دبیرستان خدمات

دبیرستان خدمات به روز ۶۰/۲/۱۲ تظاهرات - اتی در این دبیرستان بمناسبت روزجهای - نی کارگرا جراشد .

دبیرستان خوزلی

۶۰/۲/۱۱ در این روز تظاهرات در حیاط مدرسه در فضای تعطیل زودرس مدارس بر پا شد که با استقبال توده دانش آموزان مواجه گشت .

سندج

۶۰/۲/۱۰ - در این روز بمناسبت سالگرد جنگ خونین کردستان اول ماه مه و اعتراض به کشتار کارگران نیکار تظاهرات موضعی در انتهای خیابان بیروس برگزار شد که به علت عدم سازماندهی درست و زود رسیدن پاسداران ارتجاع نتوانست بیش از ۱۰ دقیقه ادامه یابد اما این تظاهرات با استقبال گرم توده ها و بیروس تدبیری از شعارهای این تظاهرات با این ترتیب بود : مرگ بر سرمایه رده، مرگ بر رهبره کارگر سرور است کارگر رهبر است بیزی هیزی مرگ بر بیوشمرگه

و تمنا میکردند. جریان بدین منوال ادامه داشت تا اینکه بچه ها قطعنامه ای را در گردن دورترین دبیرستان (بوزنجی) ضمانت اجرای مفاد قطعنامه را بعهده گرفت، و مورد از مواد قطعنامه عبارت بودند از : برگرداندن دانش آموزان اخراجی ۲ - تضمین دستگیر نکردن هیچک از دانش آموزان در همین اثنای بود که حامیان سرمایه وارد دبیرستان شدند، البته از قبل نیز دبیرستان را محاصره کرده بودند. بچه ها بیباک شدند و شمار مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه دار را تکرار کردند و بدون هیچ برخوردی بر سر کلاسهای خود رفتند. در این جریان کسی دستگیر نشد. این حرکت دانش آموزان انقلابی به پیروزی رسید و دوران نیز با سرافکندگی از دبیرستان خارج شدند.

روز کارگر در دبیرستانها

سندج - دبیرستان رازی

بعد از ظهر روز ۶۰/۲/۱۰ ساعت ۳ در دبیرستان رازی بمناسبت روزجهای کارگر تظاهرات با شکوهی انجام گرفت. ساعت ۳ بود که وارد دبیرستان شدیم، بچه ها همگی در داخل کلیدور تجمع کرده بودند و شعارها و سرودهای زیر را تکرار می نمودند (نهی ره قیب، هیزی گسل - بی ناوی بیو، ای شهیدان، ... ) مرگ بر پاسدار حامی سرمایه دار علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها زنده باد بیکار توده ها بیزی هیزی مرگ بر پاسدار - با بروخی استعمار مرگ بر ارتجاع (....) تعداد بچه ها حدود ۲۵۰ نفر تا بد هم بیشتر میشدند، روحیه بچه ها خیلی عالی بود، شعارها و سرودها را با قدرت تمام تکرار میکردند، بعد از مدتی حدود نیم ساعت بچه ها از کلیدور بیرون رفتند و پلاکاردی با این مضمون (خسته باد اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان، هواداران - بیکار، کومه له، راه کارگر) که از قبل تهیه شده و بیرونی توده های دبیرستان زده بودند در دست گرفته و جیاج دبیرستان را با شعار و سرود چند بار دور زده و سپس در جلوی در کلیدور تجمع کردند. بعد از چند دقیقه متوجه شدیم که در کلیدور از پشت بسته اند، بچه ها اعتنایی نکرد -



# کتابخانه

۲۰۰۰ ریال	ج - الف	۲۰۰۰ ریال	م - راهنمایی
۵۰۰۰ ریال	د - ۲	۱۰۰۰ ریال	هنر و مباحث
۵۰۰۰ ریال	ا - م	۱۰۰۰ ریال	ترکی
۲۰۰۰ ریال	جایی	۱۰۰۰ ریال	صفا
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۱۰۰۰ ریال	افسانه
۲۰۰۰ ریال	نگاه و رفیق معلم	۱۰۰۰ ریال	احمد
۲۰۰۰ ریال		۱۵۰۰ ریال	مدینه جمیده
۲۰۰۰ ریال	مختار و بیل ۲۰۰۰ ریال	۱۵۰۰ ریال	حمید
۲۰۰۰ ریال	ف - خانم خانسه دار	۱۵۰۰ ریال	زحیم
۲۰۰۰ ریال	الف - خانم خانسه دار	۲۰۰۰ ریال	رویا
۲۰۰۰ ریال	مونا زجا له عیدیهی که	۲۰۰۰ ریال	حمید
۲۰۰۰ ریال	جمع کرده	۲۰۰۰ ریال	افسانه
۲۰۰۰ ریال	رفقای دانش آموزان	۲۰۰۰ ریال	حاتم
۲۰۰۰ ریال	میراثا نمیشی	۲۰۰۰ ریال	حمید
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هوا دار	۲۰۰۰ ریال	ترکی
۲۰۰۰ ریال	به بازگان	۲۰۰۰ ریال	پروچرد
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۲۰۰۰ ریال	ف - ش
۲۰۰۰ ریال	میراثا بیرون	۲۰۰۰ ریال	ش - م
۲۰۰۰ ریال	ن	۲۰۰۰ ریال	ش - ر
۲۰۰۰ ریال	ف	۲۰۰۰ ریال	گرما نشاء
۲۰۰۰ ریال	ف - د	۲۰۰۰ ریال	دختر
۲۰۰۰ ریال	ش - د	۲۰۰۰ ریال	رفقای کوجولو "پ" و "ر"
۲۰۰۰ ریال	ش - ن	۲۰۰۰ ریال	فراشه
۲۰۰۰ ریال	ش - ز	۲۰۰۰ ریال	فدا زهدرا مبون فرائشه
۲۰۰۰ ریال	ا	۲۰۰۰ ریال	ش - ۵
۲۰۰۰ ریال	م	۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ر	۲۰۰۰ ریال	جوریه بازگان
۲۰۰۰ ریال	ن - الف	۲۰۰۰ ریال	ن - ۲۶
۲۰۰۰ ریال	الف - ۵	۲۰۰۰ ریال	اختر - ۲۷
۲۰۰۰ ریال	ج - ۵	۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۲۰۰۰ ریال	فاطمه امینی
۲۰۰۰ ریال	آبسیس	۲۰۰۰ ریال	ج - م
۲۰۰۰ ریال	ش - ۵	۲۰۰۰ ریال	منصور
۲۰۰۰ ریال	س - ۵	۲۰۰۰ ریال	ن - ت
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۲۰۰۰ ریال	مطم هوادار
۲۰۰۰ ریال	میراثا مهمتی ۱۵۰۰	۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ف - ۲۲	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	س - د	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ر	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	م - الف	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ب - الف	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ش - ۲۲	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	ا - ل	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	محبوبه منتدین	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	داش آموزان هسوادار	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	امیر نظام	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	م	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	م	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	اختر - ۲۲	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار
۲۰۰۰ ریال	تا هد	۲۰۰۰ ریال	دانش آموزان هسوادار

۲۰۰۰ ریال	بوزن - ۲۰۰
۱۵۰۰ ریال	رفقای مدرسه آبسیس
۱۵۰۰ ریال	بیشا روی
۲۰۰۰ ریال	ک - ۱۱
۲۰۰۰ ریال	میراثا نگار
۵۰۰ ریال	م - نگار
۵۰۰ ریال	واحدیهی علی سوی
۲۰۰۰ ریال	شوقری
۲۰ ریال	احمد جیم
۲۰ ریال	واحدیهی روی
۲۰ ریال	هستوارا ازم
۵۵۰۰ ریال	واحدیهی
۱۳۰۰ ریال	ن - غ
۱۰۰ ریال	ج - ش
۵۰۰ ریال	م - ج
۶۰۰۰ ریال	کلیا
۲۵۰۰ ریال	با داوران
۱۰۰۰ ریال	س - ۱۵
۲۰۰۰ ریال	م - ۲
۲۰۰ ریال	م - الف
۶۰۰ ریال	م - ج
۶۰۰ ریال	م - ش
۶۰۰ ریال	م - ز
۱۰۰۰ ریال	م - ش
۶۰۰ ریال	م - الف
۲۰۰۰ ریال	م - پ
۵۰۰ ریال	م - پ
۵۰۰ ریال	م - ۱
۲۰۰ ریال	م - ج
۲۰۰ ریال	م - ف
۲۰۰ ریال	م - ف
کتابهای	ل - ش
۱۰۰۰ ریال	پروانه (مدرسه با شوق)
۱۰۰۰ ریال	فنی
۲۰۰۰ ریال	ز
۲۰۰۰ ریال	ا
۲۰۰۰ ریال	مطلوبه علوی شوقری
۲۰۰۰ ریال	سعی - ۱۱
۲۰۰۰ ریال	د - ج
۲۰۰۰ ریال	هسته اکتیوسرچ
۲۰۰۰ ریال	باشا
۲۰۰۰ ریال	احمد
۲۰۰۰ ریال	مدرسه حکم علی ابراهیمی
۲۰۰ ریال	کلان دوم
۲۰۰ ریال	رفقای دانش آموزی
۱۵۰۰ ریال	شوری
۱۰۰۰ ریال	هکسیس
۱۰۰۰ ریال	رفقای د - د کرج
۲۰۰ ریال	ش - ل
۲۰۰ ریال	ا - ج
۲۰۰ ریال	ج - د
۲۰۰ ریال	رفقه هنرآنها
۱۰۰۰ ریال	جمع مصلحه بندی
۲۰۰۰ ریال	بیت
۲۰۰۰ ریال	واحدیهی دانش



بقیه از صفحه ۴ روزگزر

ند ، سپس یکی از بچه ها شمریکی شهیار ( اول ماه مه ) را خوانند پس از چند دقیقه متوجه شدیم که پاداران سرمانده وارد دبیرستان شدند ، بچه ها همگی از در عقب دبیرستان خارج شدند و در حین دویدن در میان کوچه ها شامه راهای مرگ برپا شدند و مرگ برجاش را تیکواری نکردند که اینکار در روحیه مردم آن اطراف تاثیر قابل توجهی داشت .

### چگونگی اخراج حدود سی نفر از

### دانش آموزان دبیرستان

### (شاهپور سابق) سنندج

اواصل اردیبهشت اسامی بیارزینا ز شدن مدارس و نفر از شاگردان این دبیرستان بطور کلی از طرف سپاه پاسداران ممنوع ورود میشوند دلیل ملی اخراجشان بخاطر شرکت در ضمن شبه ۲۲ فروردین که منجر به حمله اوباشان و پاداران چاق بدست به این دبیرستان بود پس از این حرکت جمعی دانش آموزان دبیرستان شروع بشکل گیری کرده و در برابر مدیر مرتجع مدرسه ( قمری ) متحمله اقتضای وی و عواملش میبردازند . در این جریان - نات حدود ۱۸ نفر را اولود آورده نفر دیگر نیز بعد از آن اخراج میگرددند . اسامی دانش آموزان انقلابی دبیرستان همچنان برای آزادی دانش آموزان زندانی مبارزه میکنند .

### گزارشی از مراسم اول اردیبهشت

### در دبیرستان نظام الملك

### فروغی - میانندوب

روز اول اردیبهشت ساعت ۱۰ صبح دانش آموزان انقلابی بکپارچه شور و شوق بودند . برای بزرگداشت روز مقاومت و استقامت دانشگاه این سنگر آزادی مراسمی از طرف هواداران سازمان از قبل اعلام

بقیه در صفحه ۱۹

### گمونیستها و فرم

بسیار جده تمامی بحثهای بالا ، اینک براحتی میتوان موضع کمونیستها در قبال فرم را تعیین کرد .

اولاً ، کمونیستها انقلابی اند ، آنان معتقدند که انقلاب اجتناب ناپذیر است . آنان به توده ها و به انقلاب آنان ایمان دارند ، آنان تمامی بندهای وابستگی به جا میمانند و راکسته اند و هیچگونه

منافعی در آن ندارند ، آنان ایمان دارند که تا زمانیکه جامعه سرمایه داری با برجا - ست ، هرگز کارگران و زحمتکشان رها نمیشود ، خویش را بدست نخواهند آورد ، آنان ایمان دارند که برای رهایی از بندها مستمسار سرمایه ، میباید انقلاب کرد ، آنان تنها

راه رهایی توده ها را قیام قهرا میزنند ، آنان سونگونی قهرا میزبورژوازی و فرم - شکستن قهرا میزماشین دولتی کهن و ایجاد جامعه ای نوین میدانند ، بنا بر این

هدف خود را انقلاب قرار داده اند و نه فرم ، ثانیاً ، برای کمونیستها فرم محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی است ، بنا بر این آنها هرگز برای کسب خواستها - بی درجه رچوت جا میمانند ، دست بدامن

بورژوازی نخواهند نشست ، آنان هرگز از بورژوازی انجا مبرخی فرمها را طلب نخواهند هند کرد ، آنها کسب برخی خواستها ، اصلاحات و فرمها درجه را چوب جا میمانند ، رانیز فقط و فقط محصول مبارزه در راه

انقلاب میدانند و بی ثانیاً ، کمونیستها از توده ها جدا نیستند ، تا زمانیکه زحمتکشان هنوز به ضرورت انقلاب قهرا میز ، به ضرورت سونگونی بورژوازی و به ضرورت درهم شکستن دستگاه دولتی و ایجاد دنگمی نوین ، بی نبرده اند ، تا زمانیکه آنان هنوز به طرح خواستهای فرم یعنی درجه رجسسوب

جا میمانند سرمایه داری میبردازند و بس برای آنها مبارزه میکنند ، کمونیستها نیز در پیشا پیش آنان حرکت میکنند ، آنان بسا

دمیدن به آتش مبارزه در راه این خواستها می میکنند آگاهی توده ها را هر چه بیشتر بالا برده ، آنان را هر چه بیشتر متنگسل سازند ، کمونیستها در هر مبارزه زحمتکشان برای در خواستهای جزئی خود ، شرکت کرده و سعی میکنند این مبارزه را در راه انقلاب

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۴ روزگزر  
توجه کنید ، پس میتوان استنباط کرد که سوسیالیسم چیست و آیا میتوان سوسیالیسم را این فرمها را "سوسیالیسم" نهادینه کرد ؟

سوسیالیسم تنها زمانی میتواند در زیربنای اقتصادی جا میماند که در دست پرولتاریا باشد . بدون حاکمیت پرولتاریا یعنی هم از اقتصاد سوسیالیستی نمیتوان به میان آورد ، همانطور که نئین میگوید :

"سوسیالیسم بدون سلطه پرولتاریا در کشور غیر ممکن است ؛ اینهم در حکم الفیاست " ( در باره مالیات جنسی )  
مناسبات تولیدی سوسیالیستی ، مناسباتی است که در آن مالیکت ابزار تولید در دست پرولتاریاست و تولید و توزیع نعم مادی بر مبنای نیازها و منافع او میجرده ، روشن است که مالیکت پرولتاریا بر ابزار تولید یعنی سون

نخستین گام برای استقرار سوسیالیسم زمانی میتواند عملی شود که مناسبات از بورژوازی سلب مالیکت شده باشد ، این سلب مالیکت نیز هرگز نمیتواند عملی شود ، مگر با یک انقلاب اجتماعی

بمبارزه کننده که ابتدا بورژوازی را از نظر سیاسی ساقط کند و سپس در عرصه اقتصادی نیز سلطه او را براندازد ، یعنی پرولتاریا قدرت سیاسی را بکف آورد ، بنا بر این تا زمانیکه پرولتاریا در قفس قدرت نیست و بورژوازی قدرت سیاسی را در دست داشته و ما عب ابزار تولید است ، شیوه

تولید جامعه شیوه تولید سرمایه داری خواهد بود و نه سوسیالیستی و هرگز نمیتوان آن بدون انجام انقلاب از تحقق سوسیالیسم سخن گفت ، حال این فرمها میخواستند تحصیل رایگان " رژیم شاه باشد با هر چیز دیگر ، ولی در حال یک چیز روشن است و آن اینکه هیچکدام از این فرمها ، تحقق سوسیالیسم نخواهد بود .

رویزیونیستها پس با حرکت از این ادعا ، به نفع ضرورت انقلاب رسیده و فریب کار آرنه مطرح میسازند که اگر این فرمها

با ستردیج انجا میشود ، سوسیالیسم تدریجاً غلبه خواهد یافت و دیگر نیازی به انقلاب نیست ، بنا بر این آنها هدف خویش را نه انقلاب بلکه فرم قرار میدهند و تمامی هم و غم خویش را به طلب نمودن فرمهای

جزئی از بورژوازی صرف میکنند .



اخبار  
مبارزات  
و دانش آموزی

تعبیه از صفحه ۱۸ گزارش از...

ده بود. و دانش آموزان از صبح انتظار کشیدند. در ساعت ۱۰ حدوده ۳ تن از واداران با نصب طرح و شعار روی بزرگ سوسی بنیوار حیاط مدرسه برنامه را شروع کردند.

تقریباً نیمی از دانش آموزان مدرسه طرف محل اجرای مراسم جلب شده و مشغول مآب. و خواندن طرحها و بزرگ نویسی بودند.

در هنگامیکه دانش آموزان انقلابی می-واستند شروع بخواندن سرود شهیدان کنند. سردسته فالانژها که سنا اسداران ارتجاع همکاری میکنند بطرف

کی از طرحها بیورش برده و قصد پیاره بردن آثر امینماید که با مقاومت یکی ز دانش آموزان انقلابی رو برو میشود.

الانژها که از قبل خود را برای حمله ماده کرده بودند، در یک لحظه مغولوار ووش آورده و قصد برهم زدن مراسم را می-نند.

دانش آموزان انقلابی که چنین ملی را از طرف ارتجاع عیون پیش بینی رده بودند یکجا دستمفاومت زده و باید-ری میکنند.

حدوده ۵ تن فالانژها هر چه دستشان میرسد حمله میکردند و دانش سوزان جانانه از حق مسلم شان کسه

زادی فعالیت سیاسی است دفاع میکردند باط مدرسه به صحنه نمردند و رهسپای

نقلی و نیروهای ارتجاعی تبدیل شده بود. مدیر مرتجع مدرسه (مهراستا) آمدن صحنه زد و خورد به حمایت از

الانژها برخاسته و آنها را بیشتر تحریک میکند دانش آموزان پس از یک درگیری

رحالیکه چندتن از طرفین زخمی شده بودند، طبق نقشه قبلی به بیرون از صحنه کشیده و در بیرون که در معرض دید مردم است به مقاومت ادامه میدهند.

صحنه دانشگاه تکرار میشود. و ارتجاع رهنگر و حش خود را از آگاهی توده های دانش آموز بطور آشکار نشان میدهد. دانش سوزان در همین درگیری دست به افشاکاری

بقیه از صفحه ۱ چوگان یاد...

مقاومت قهرمانانه و تحمل درد و جراحات شدید بسیار رسید. رفیق مژگان از دانش آموزانی بود که در رابطه با "تازمان"

دانشجویان و دانش آموزان بیکار "فعا-لمت میگذرد. و بیشتر از ۱۶ سال نداشت و در تمام طول این سالهای زندگی اش

ظلم تلخی ها و رنج های بسیاری را چشیده بود. پدرش سرهنگ بود و در کودکی مادرش را طلاق داده وزن دیگری گرفته بود.

از این پس رفیق مجبور بود که جدا از مادرش و در خانه پدری در مشهد زندگی سراسر رفتار و شکنجه ادامه دهد.

در خانه مادرش مجبور به انجام کار نظافت گفت سیاسی خانه میشد و همین کارهای زیبا دوطاقت فرما اغلب با بیست

زخم و عفونت دستهایش میگشت. و کتب دوران کودکی اش را در چنین شرایطی گذراند تا آنکه بالاخره به تهران و نزد مادرش که شوهر کرده بود انتقال یافت.

او از زمانیکه به فعالیت سیاسی رو آورد و هوادار سازمان شبانهارم تحت فشار و آزار مادرش قرار داشت، نارها او را

بخاطر جلوگیری از فعالیت انقلابی اش کرده و آزار میدادند اما رفیق کداز شور انقلابی و روحیات کمونیستی خوبی برخود

ردار بود. در مقابل همه این فشارها و بیاروحيه ای مقاوم و پابدار همچنان کسه

زده و شعار مرگ بر امریکا مرگ بر ارتجاع را میدهند. پس از حدوده ۱ دقیقه زد و خورد با پراکنده شدن عده ای از دانش

آموزان درگیری خاتمه مییابد. سپس کمیته پی ها سرزنده و همراه فالانژهای مدرسه در پی تعقیب و دستگیری انقلابیون

برآمده و بخانه چندتن بیورش میبرند. ارتجاع با این اعمال کشتن میخواهد چند صبا حی دیگر به عجز شکنجش بیفزاید.

"زادی فعالیت سیاسی حق مسلم دانش آموزان انقلابی است"

"درود بر شهیدان بخون غخته دانشگاه سنگرزاه"

"مرگ بر امریکا لایم امریکا و ارتجاع داخلی"



مبارزه خود ادامه میداد و هرگز تسلیم فشارها و تضییقات خانواده و فاش نشد.

فشارهایی که تا آخرین لحظات زندگیش نیز ادامه داشت. چرا که دانشی

او بنا بر همین شناسی که فردی ارتجاعی است و قبلاً معاون "دانشانی انقلاب"

بوده و اکنون هم ترفیع مقام یافته است هم خود در بیمارستان به تهیدید و آزار

رفیق میبرد اذیت و هم چند پاسدار محافظ در بالای سرا و گذاشته بود. اما مژگان کسه

از این مزدوران ارتجاع شدت نفیست داشت تا آخرین روزهای زندگی دو جمله تبر

زبانش جاری بود "بمن آب بدهید". "سرا از دست پاسداران نجات دهید". رفیق

مژگان در حالیکه بر اثر عفونت ناشی از جراحات بدنش در ناحیه شکم سخت درد

میکشید با روحیه و انقلابی و با ایمانسی کمونیستی بالاخره در شب شنبه ۱۹/۲/۶۰

شهادت رسید و زندگی سرخ و انقلابی اش به پایان رسید. خانواده رفیق که تحت حمایت

تا شریک تبلیغات دروغین رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و برخی عناصر ارتجاعی و پاسدار فاشیل قرار گرفته بودند پس از

شهادت رفیق به ناسزاگویی و تبلیغ علیه سازمان بیکار پرداخته و به انحصورت وسیله تبلیغ و فریبکاری دروغین برای رژیم

حکومت علیه انقلابیون و کمونیستها گشتند. اما تک نیست که شهادت رفیق لکه تنگ دیگری بوده که بر دامان رژیم و مزدوران

مرحمت نیست و خون سرخش تار راه دیگری است که بر آسمان سوسیالیسم و کمونیسم جاودانه خواهد درخشید.

با سرخش گرامی و راه خونینش پیروز!

زنده و جاوید یادشیدان خلق

# اخبار مبارزات دانش آموزی



## سخنرانی مادر رفیق آذر مهرعلیان در دبیرستان عاصمی

روزشنبه ۶۰/۲/۱۹ بدعوت دانش آموزان هوادار سازمان بیکار و گروهی دیگر از دانش آموزان انقلابی و کمونیست مادر رفیق " آذر " دبیرستان عاصمی آمد و درمراحمی که برای بزرگداشت رفیق " آذر " برگزار شده بود شرکت و سخنرانی کرد .

در ابتدای مراسم ابتدا مادر رفیق خان خود را با محبت راجع به خصوصیات " آذر " و همچنین افشاکری پیرامون جنایت ارتجاع شروع کرد . و بعد خطاب به دانش آموزان انقلابی و کمونیست مدرسه خطاب به همکلاسیهای آذر مطرح کرد که مبارزه انقلابی خود را ادامه داده و بکوشند تا راه آذر و هزاران شهید انقلابی و کمونیست را ادامه دهند .

در ادامه مراسم شعری که رفیق آذر سروده بود توسط یکی از رفقا خوانده شده و سپس " مادر " راجع به آن شعر توضیحاتی به شرکت کنندگان در مراسم داد . همچنین در این مراسم شعری که یکی از رفقا برای آذر سروده بودند نیز گزایش مراسم بزرگداشت آذر " در " بهشت زهرا " خوانده شد . و در آخر برنامه چند شعار داده شد که بوسیله شرکت کنندگان در مراسم تکرار شد . بطور کلی دومین مراسم بزرگداشت رفیق " آذر " در مدرسه بخوبی برگزار شد و بخصوص شرکت " مادر " رفیق " آذر " به این مراسم شکره خاصی می داد . این در شرایطی بود که ما بروی مراسم تبلیغ وسیع نکرده و برنامه ریزی دقیق و کامل در اجرای برنامه نداشته ایم . در ضمن مسئولین مدرسه جرات دخالت در برنامه و جلوگیری از اجرای مراسم را بخود نداده و سکوت کردند .

با ایما به پیروزی  
دانش آموزان هوادار سازمان  
بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
دبیرستان عاصمی

## برپایی نمایشگاه اول اردیبهشت با استقبال شدید دانش آموزان مواجه شد و به تظاهرات انجامید

### کوچمنهان - دبیرستان دخترانه

در تاریخ ۳ اردیبهشت ۶۰ نمایشگاه "ویژه اول اردیبهشت ۵۹" راه دبیرستان برپا گردید که با استقبال زیادی از طرف دانش آموزان و بخصوص اکثر دانش آموزان معمولی مدرسه روبرو شد. بعضی برپا شدن نمایشگاه که با ابتکارات خودمان بسیار جالب و چشمگیر شده بود فالانژها قصد حمله و یار کردن آنرا کردند و در همان ابتدای یکی از فالانژها موفق شد قسمتی از آن را یاره کند اما حمایت همه دانش آموزان از برپایی

نمایشگاه و جلوگیری از عمل فالانژ مذکور باعث شد که او نتواند برنامه اش را به پایان دهد کند . برپایی نمایشگاه در مدرسه شوری بوجود آورده بود . بطور مرتسب جمعیت بیشتری از دانش آموزان به نمایشگاه جلب می شدند . از سوی دیگر فالانژها هم به خودشان افتاده بودند . مدیر یکی از دبیرهای فالانژ آنها را در کلاسی جمع کرده و برای حمله به نمایشگاه سازماندهی شان می کردند . و بعد هم مدیر تعدادی از یاره ها را دور خود جمع کرد و گفت اول با حرف منطقی!

بقیه در صفحه ۱۵



جهاد دانشگاهی، انجمنهای اسلامی و امور تربیتی مدارس باید منحل بشوند